

تبیین نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران

دکتر علی امیری* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۱

چکیده

نیروی دریایی همواره یکی از پایه‌های اصلی قدرت دریایی کشورها بوده است. ایران از قدیمی‌ترین کشورهای است که دارای نیروی دریایی بوده و برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده کرده است. نیروی دریایی ایران دارای فراز و فرود فراوانی بوده و روند تکاملی ثابتی نداشته است. در طی یک دهه گذشته، با توجه به نگاه مسئولان به توسعه نیروی دریایی، در این مقاله سعی شده است تا چگونگی تاثیرگذاری آن بر قدرت دریایی ایران مورد بررسی گیرد.

در این راستا از روش توصیفی تحلیلی و تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. اطلاعات گردآوری شده نیز به روش کیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که نیروی دریایی، با استفاده از دو اصل مدیریت نظامی، یعنی نیروی تاکتیکی و استراتژیک، قدرت دریایی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. ندسا به عنوان یک نیروی دریایی تاکتیکی با انجام نقش‌های نظامی و نظارتی خود مبنای قدرت سخت در عرصه‌های دریایی پیرامونی ایران و نداجا به عنوان یک نیروی دریایی استراتژیک با ایفای نقش دیپلماتیک زمینه قدرت نرم دریایی در دریاهای دورتر را فراهم ساخته‌اند. از ترکیب این دو نوع قدرت دریایی، قدرت دریایی هوشمند ایران شکل گرفته است.

واژه های کلیدی: نیروی دریایی، قدرت دریایی، ایران، ژئواستراتژی، قدرت هوشمند.

۱. مقدمه

از ویژگی‌های جغرافیایی که در قدرت کشورها بسیار تاثیرگذار بوده است، دریا و میزان و نحوه دسترسی دریایی کشورها بوده است. دریا از دیرباز تا کنون نقش مهمی در سرنوشت بشر داشته و همواره با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی نقش‌های متفاوتی را پذیرا بوده است. با شروع دریانوردی مدرن، نقش دریا در قدرت‌آفرینی کشورها در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... دو چندان شده است. موقعیت دریایی می‌تواند در توسعه نیروی دریایی راهبردی یا تحول اقتصادی بسیار تاثیرگذار باشد و بدین شکل قدرت دریایی کشورها را متاثر سازد. لذا دریا مهمترین ابزار شکل‌گیری قدرت دریایی می‌باشد و رکن اصلی قدرت دریایی، نیروی دریایی می‌باشد که ابزار اصلی اعمال قدرت در دریاها می‌باشد.

از طرف دیگر، چگونگی اعمال قدرت از اصول و پیچیدگی خاص برخوردار است؛ چرا که تعریف قدرت و گونه‌شناسی آن بسیار روشن نیست و هر کدام از اندیشمندان این حوزه تعریف و دسته‌بندی خاص خود را از قدرت ارائه داده‌اند. در تعریف ساده آن، قدرت توانایی انجام کارها و کنترل دیگران است و در خصوص گونه‌شناسی قدرت، جوزف نای قدرت را به دو بخش قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم می‌کند که از ترکیب این دو، قدرت هوشمند به وجود می‌آید. جنس قدرت نرم از نوع اقناع و قدرت سخت از مقوله اجبار است.

کشور ایران از جمله کشورهای است که دارای موقعیت دریایی مناسبی است و می‌تواند از این موقعیت دریایی جهت اعمال قدرت دریایی استفاده نماید. واقع شدن در سواحل جنوبی دریای خزر از سمت شمال، خلیج فارس و دریای عمان و به خصوص تنگه استراتژیک هرمز از سمت جنوب، موقعیت دریایی بسیار حساس و استراتژیکی را برای ایران به ارمغان آورده است. کشور ایران می‌تواند علاوه بر برخورداری از مزایای اقتصادی و بهره‌مندی از دریانوردی تجاری، با تعریف نیروی دریایی کارآمد و راهبردی از مزیت‌های یک نیروی دریایی قدرتمند برخوردار گردد و بدین شکل به ارتقا جایگاه قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود کمک نماید. با اینکه ایران در گذشته‌های دور از نیروی دریایی راهبردی برخوردار بوده است، اما در طی سالیان متمادی در طی قرن‌های گذشته به سیاست بری روی آورده است و نتوانسته است نقش یک نیروی

بحری را بازی نماید و به همین خاطر در موارد متعددی از سمت جنوب دچار آسیب شده و در برهه‌هایی از زمان، بخشی از سرزمین آن در اختیار قدرت‌های دریایی فرامنطقه‌ای، همچون پرتغال، قرار گرفته است.

امروزه آرایش و توان نیروی نظامی رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران به گونه‌ای است که می‌توانند از سمت و سوی دریا تهدیدات جدی را برای آن به وجود آورند و باعث تکرار بعضی وقایع ناگوار تاریخی گردند. لذا، ایران نیازمند تعریف یک استراتژی موثر برای توسعه نیروی دریایی خود است تا بتواند هم تهدیدات نظامی را دفع نماید و از خود دور کند و هم بتواند آن را در راستای شکوفایی اقتصادی خود مورد استفاده قرار دهد. درک این مساله از جانب سیاستمداران ایران، به خصوص از سوی عالی‌ترین مقام کشور؛ یعنی مقام معظم رهبری، باعث شده نیروی دریایی تقریباً در طول یک دهه گذشته مورد توجه قرار گرفته و دچار تحول اساسی گردد و به بازوی اقتدار ایران در عرصه دریاها تبدیل شود.

بر این اساس، تبیین نقش نیروی دریایی ایران در اعمال قدرت دریایی ایران باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. توجه به نقش نیروی دریایی در عرصه قدرت‌آفرینی به شیوه سخت، نرم و یا هوشمند از مسائلی است که در اینجا مورد توجه قرار گرفته است. اینکه چگونه نیروی دریایی بر قدرت سخت، قدرت نرم و یا قدرت هوشمند ایران در عرصه دریایی تأثیر می‌گذارد، از جمله مسائل پیشروی این تحقیق است.

۲. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد و با مراجعه به منابع واقعی و مجازی اطلاعات گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع کیفی و استنباطی می‌باشد. ابتدا و ضعیف نیروی دریایی ایران بررسی شده و سپس، بر اساس مبانی نظری‌ایی که از دو سنخ نخست مبانی مدیریت نظامی؛ یعنی استراتژی و تاکتیک و دومی مبانی سیاست؛ یعنی قدرت و انواع آن (از منظر جوزف نای) بوده است، محک خورده تا نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی ایران تبیین شود.

۳. مبانی نظری

با توجه به فنی بودن پژوهش‌های علمی، سعی می‌گردد در هر تحقیقی مبانی نظری آن مورد توجه قرار گیرد. به همین خاطر در اینجا ذکر مبانی نظری تحقیق از الزاماتی است که مطرح می‌گردد تا مبنای فهم چگونگی تاثیرگذاری نیروی دریایی بر قدرت دریایی ایران فراهم گردد.

استراتژی و تاکتیک: در شرایط عمومی، استراتژی هنر و علم استفاده از تمام منابع قدرت در زمان جنگ و صلح برای دستیابی به اهداف استراتژیک است (Vego, 2005: 1). لیدهل هارت^۱ استراتژی را به عنوان «هنر توزیع و استفاده از ابزارهای نظامی برای تحقق اهداف سیاسی» تعریف می‌کند (Till, 2009: 41).

استراتژی از سه عنصر اهداف، راه‌ها و ابزارها تشکیل شده است. منظور از اهداف، هدف‌های نظامی و مراد از راه‌ها، روش‌های متفاوت به کارگیری نیروی نظامی یا در حقیقت بررسی اقداماتی است که برای نیل به اهداف نظامی طراحی می‌گردد و مفاهیم استراتژیک نظامی خوانده می‌شود. ابزار به معنای منابع نظامی، نیروی انسانی، قدرت مادی، پول، نیروها، پشتیبانی و ... است که برای انجام مأموریت لازم است (Azghandi & roshandel, 2007: 6).

اگر استراتژی به معنای هنر به کار بردن زور و جنگ باشد که البته در این صورت به هنر جنگ نزدیک می‌شود، تاکتیک هنر کاربرد سلاح‌ها در جنگ است؛ به طوری که کاربرد آنها بتواند حداکثر بهره‌وری را به بار آورد. در تعریف استراتژی می‌گویند که استراتژی تعیین می‌کند که با چه نیرویی و چه موقع باید جنگید؛ در حالی که تاکتیک اجرای جنگ را بر عهده دارد و به عبارت دیگر می‌گوید که چگونه باید جنگید (Azghandi, & roshandel, 2007: 9). تاکتیک‌ها شامل هنر و علم برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و انجام نبردها، درگیری‌ها، ضربات و حملات با هدف تحقق اهداف تاکتیکی در یک بخش یا منطقه جنگی خاص می‌باشند (Vego, 2005: 4).

استراتژی دریایی: در تعریفی کوتاه از استراتژی دریایی، شامل علم و هنر استفاده از منابع قدرت نظامی در عرصه دریا یا اقیانوس برای تحقق بخشیدن به جنبه‌های دریایی استراتژی نظامی

است. علاوه بر این، استراتژی دریایی اهداف استراتژیکی که باید در دریا بر اساس استراتژی نظامی تحقق یابند، را تعیین می‌کند: انتخاب حوزه‌های دریایی و هوایی اصلی و به دست آوردن نواحی جدید با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک یا نظامی، توسعه مفهوم کلی جنگ در دریا، تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام صحنه اصلی و کدام یک در درجه دوم قرار دارد و تعیین قدرت دریایی در صحنه‌های مختلف. استراتژی دریایی جزء جدایی‌ناپذیر امنیت ملی و استراتژی ملی نظامی است (Vego, 2005: 2).

تمرکز اساسی عنصر نظامی در استراتژی دریایی بر روی کنترل فعالیت‌های انسان در دریا با استفاده از نیروهای مسلح به منظور کمک به اهداف گسترده‌ای است که در سیاست ملی دریایی ایجاد شده‌اند (Hattendorf, 2013: 7). استراتژی و دکترین دریایی راه‌ها یا روش‌هایی هستند که به وسیله آنها نیروهای دریایی اهداف استراتژیک یا عملیاتی را برآورده می‌سازند. به عبارت دیگر، اهداف استراتژی کلان، مأموریت‌های نیروی دریایی (اهداف) را مشخص می‌کنند، نیروهای دریایی وسیله‌ای برای اهداف هستند، و استراتژی دریایی روشی است که ابزارها از طریق آن به بهترین وجه اهداف (مأموریت‌ها) را برآورده می‌سازند. سپس انجام این مأموریت‌ها ابزارهایی برای استراتژی کلان یا اهداف سیاسی است (Germond, 2015: 46). استراتژی دریایی صرفاً دفاع دریایی نیست. استراتژی دریایی دربرگیرنده دیگر اجزاء قدرت است که شامل دیپلماسی؛ محافظت و دفاع از تجارت در دریا؛ ماهی‌گیری؛ بهره‌برداری، حفاظت، نظارت و دفاع از منطقه انحصاری اقتصادی در دریا؛ دفاع ساحلی، امنیت مرزهای ملی؛ حفاظت از جزایر فراساحلی؛ و همچنین مشارکت در نگرانی‌های منطقه‌ای و جهانی مربوط به استفاده از اقیانوس‌ها، آسمان فراز اقیانوس‌ها و بستر دریاها است (Hattendorf, 2013: 7). رسیدن به اهداف مختلف استراتژی دریایی، شکوفایی قدرت دریایی را به همراه دارد که در بستر ایفای کارکردهای نیروهای دریایی رقم می‌خورد.

۱-۳. قدرت دریایی و کارکرد نیروی دریایی

قدرت دریایی مفهومی است که توصیف آن دشوار است. خیلی‌ها تلاش کرده‌اند آن را تعریف کنند، و برخی تمایل داشته‌اند از آن دوری کنند. این چرخه‌های پایان‌ناپذیر احتمالاً منجر به

راه‌های مختلفی شده است که اصطلاح قدرت دریایی درک شده است (Gjert, 2015; 112). کرزلی^۱ قدرت دریایی را منوط به داشتن «منابع»^۲ و «عناصری»^۳ می‌داند که هر قدرت دریایی باید از آن برخوردار باشد. منابع عبارت است از: ۱) اجتماع دریایی؛ ۲) منابع [طبیعی و معدنی و...؛ ۳) نوع دولت و حکومت؛ ۴) جغرافیا؛ ۵) صنایع تکنولوژیکی پیشرفته؛ ۶) نظام سیاسی بین‌المللی. عناصر قدرت دریایی عبارت است از: ۱) کشتیرانی تجاری؛ ۲) پایگاه‌ها؛ ۳) ابزارهای جنگی. «اریک گروو»^۴ عوامل مؤثر بر قدرت دریایی را به این ترتیب طبقه‌بندی می‌کند: عوامل مؤثر درجه اول: ۱) قدرت اقتصادی، ۲) قدرت تکنولوژیک و ۳) فرهنگ اقتصادی- سیاسی. عوامل مؤثر درجه دوم: ۱) موقعیت جغرافیایی کشورها؛ ۲) وابستگی به دریا بر مبنای: تجارت دریابرد، دریانوردی تجاری، کشتی‌سازی، ماهیگیری، منطقه؛ ۳) سیاست‌ها و دیدگاه‌های حکومت. در نظریه ساختار قدرت دریایی تیل، عوامل قدرت دریایی عبارتند از: ۱) مردم، جامعه و دولت دریایی (فرهنگ دریایی، نیروی انسانی کافی و دولت لیبرال و دموکراتیک)؛ ۲) جغرافیای دریایی (موقعیت دریایی ساحلی، وضعیت جغرافیایی و عوارض ساحل، نزدیکی به شبکه‌های ارتباطی دریایی و...؛ ۳) منابع (اعم از تکنولوژی و یا منابع لازم برای تجهیز ناوگان تجاری و نظامی)؛ ۴) اقتصاد دریایی (حضور قدرت دریایی در پهنه دریا برای حمایت از ناوگان‌های تجاری، مستلزم برخورداری از اقتصاد دریایی است)؛ ۵) حمایت، پشتیبانی و پیوند بین قدرت دریایی با قدرت زمینی و هوایی (Allahverdizadeh, 2015: 38). گری‌گیل^۵ از پنج عامل جغرافیایی یاد می‌کند که در شکل‌یابی قدرت دریایی دخیل هستند و این عوامل عبارت‌اند از:

- ۱- ماهیت خط ساحلی و دسترسی به دریا ۲- وضعیت سیاسی مرزهای زمینی ۳- تکنولوژی
- ۴- کنترل پایگاه‌ها و نقاط کنترل^۶ دوردست ۵- ذهنیت و فرهنگ استراتژیک

1 Kearsley

2 Sources

3 Elements

4 Eric J. Grove

5 grvaiei

6 chokepoints

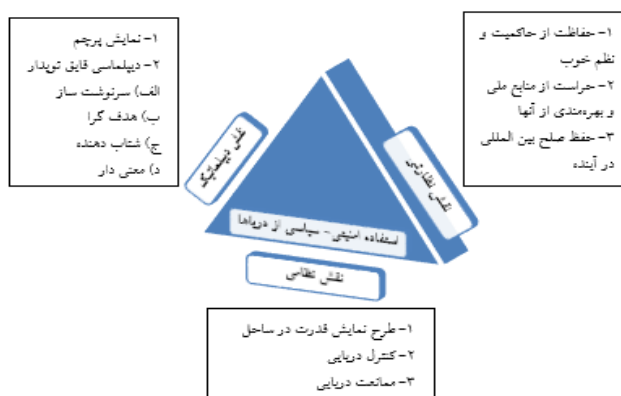
(Allahverdizadeh & others, 2017: 31). ساختار در تبیین مؤلفه‌های تشکیل دهنده قدرت دریایی نگاه کلانی به موضوع داشته است. از دیدگاه ساختار پنج مؤلفه جغرافیایی، اقتصادی، نظامی، تکنولوژیکی و سیاسی (هدف استراتژیک از قدرت دریایی و اراده تعقیب استراتژی دریایی) در تعیین قدرت دریایی کشورها دخیل هستند. در تقسیم‌بندی ساختار عوامل جغرافیایی عبارت‌اند از: ۱. طول خط ساحلی ۲. سرزمین‌های جزیره‌ای ۳. حجم جمعیت و اجتماع دریایی ۴. وسعت مناطق دریایی ۵. تعداد بنادر دریایی ۶. وسعت کشور ۷. جمعیت کشور ۸. موقعیت کشور در رابطه با نقاط کنترل ۹. مسیرهای دریایی بین‌المللی ۱۰. منابع مواد خام و بازارها (ibid: 32).

قدرت واقعی نیروی دریایی به شدت وابسته به وضعیت مالی، قابلیت حکومت مرکزی، کیفیت و کمیت واقعی منابع دریایی، کشتی‌ها، دریانوردان و کادر نظامی، زیرساخت‌های دریایی و کیفیت تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دریایی می‌باشد (Till, 2009: 84). جغرافیا تا حدی قدرت دریایی را محدود می‌کند، اما در نهایت تصمیم‌های سیاسی، زمینه گسترده‌تر اقتصادی، و همچنین عوامل غیرجغرافیایی ساختاری، سیستماتیک و اندیشه‌ای، اگر اصلی نباشند، تعیین‌کننده‌های مهم نیروی دریایی هستند. گفته می‌شود، سه نوع از عوامل جغرافیایی تا حدودی قدرت دریایی را تحت تاثیر قرار می‌دهند: عوامل زمین‌شناسی و جغرافیای فیزیکی، عوامل ژئوپلیتیکی و جغرافیای انسانی و عوامل اندیشه‌ای مطلع از جغرافیا (Germond, 2015: 20).

در سیستم دنیای مدرن، قدرت‌های جهانی، قدرت‌های دریایی (یا اقیانوسی) بوده‌اند و فرمانروایی دریاها را اعمال کرده‌اند. تغییر در موقعیت رهبری جهان با تغییرات در توزیع قدرت دریایی همراه است (Modelski & Thompson, 1988: 16 & 17). به طور خلاصه، قدرت دریایی، در زمینه سیستم‌های جنگ قاره‌ای، در بهره‌برداری از زمین‌های مرتفع سیاست مدرن، موثر بوده است. همه اقدامات نظامی به دنبال تسخیر و حفظ تپه‌ها یا قلعه‌ها هستند، زیرا آنها باعث تحرک، کارایی، اطلاعات و دسترسی می‌شوند. اقیانوس‌ها تا کنون زمین‌های مرتفع سیستم جهانی بوده‌اند (Ibid: 14).

برای کشورهای ساحلی با دسترسی به دریاها، وجود یا عدم وجود قدرت دریایی در تعیین کل قدرت ملی نقش بسیار مهمی دارد (Kirchberger, 2015: 26-27) که در این میان نیروی دریایی با ایفای کارکردهای گوناگون خود نقش اصلی را بازی می‌کند. در سال ۱۹۷۹، کن بوث (مثلت کارکرد نیروی دریایی را پیشنهاد داد که به سرعت جریان‌ساز شد. این مدل به طور قابل توجهی توسط اریک گروو در سال ۱۹۹۰ اصلاح و استفاده شد (Germond, 2015: 39). طبق نظر اریک گروو، می‌توان نقش نظامی، دیپلماتیک و نظارتی را برای استفاده از حوزه دریایی تشخیص داد. همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، سه نوع اصلی استفاده امنیتی-سیاسی از دریا وجود دارد. استفاده نظامی شامل طرح نمایش قدرت در ساحل، کنترل دریایی و ممانعت دریایی است. استفاده دیپلماتیک شامل نمایش پرچم و انواع مختلف دیپلماسی قایق توپدار است. استفاده نظارتی شامل حفظ حاکمیت و نظم خوب، حراست از منابع ملی و بهره‌مندی از آنها، حفظ صلح بین المللی در آینده.

شکل ۱: مثلث استفاده از دریا



(Bruns, 2014: 31)

با وجود برخی محدودیت‌ها، این مثلث نقطه عطف خوبی را شکل می‌دهد، چرا که مرزهای نظری بین سه سطح شدت استفاده از زور توسط نیروهای دریایی، یعنی، عملیات‌های پلیسی مطابق با قوانین ملی و بین‌المللی، تهدید به استفاده از زور و یا استفاده بسیار محدود از زور در بعضی مواقع بر خلاف هنجارهای قانونی بین‌المللی (دیپلماسی دریایی) و عملیات‌های جنگی (تا جنگ شدید)، را فراهم می‌آورد. این مدل همچنین بین سه هدف اصلی (یا علل نهایی) نیروهای دریایی تفاوت قائل می‌شود: اعمال انحصار در استفاده قانونی از خشونت در دریا (کارکردهای نظارتی)؛ اجتناب از توسل به استفاده از زور در آینده، بحران‌زدایی، بازدارندگی رقبا و اطمینان مجدد دادن به متحدان (کارکردهای دیپلماتیک)؛ و پیروزی در جنگ یا دخالت نظامی در امور داخلی دیگر کشور (کارکردهای نظامی). در عمل، هر یک از این سه کارکرد به کارکردهای کوچکتری تقسیم می‌شوند (Germond, 2015: 44).

تلاش تمام استراتژی‌های دریایی و غیردریایی، دستیابی به قدرت برای تامین منافع ملی یا پوشش دادن ارزش‌های سیاسی - ایدئولوژیکی است. به همین خاطر نیاز است که مفهوم قدرت و گونه‌شناسی آن بر اساس رویکرد این مقاله مطرح گردد.

قدرت و انواع آن: مفهوم قدرت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم و بنیادهای علم سیاست محسوب می‌گردد که تعریف آن از دشواری‌های خاص خود برخوردار است و محققان بسته به ایدئولوژی خود، تعریف‌های گوناگونی از آن به دست داده‌اند. «قدرت، مانند عشق، تجربه نمودنش ساده‌تر از تعریف یا اندازه‌گیری آن است. قدرت توانایی دستیابی به نیت یا اهداف خود است. فرهنگ لغت به ما می‌گوید که قدرت توانایی انجام کارها و کنترل دیگران است» (nye, 2004: 53). از نظر برتراند راسل، قدرت مانند انرژی اشکال گوناگونی دارد؛ همچون ثروت، سلاح، نفوذ معنوی، مقام و اقتدار ناشی از شکل و موقعیت اجتماعی و تافلر نیز عنوان می‌کند که قدرت در عریان‌ترین شکل خود عبارت است از: استفاده از خشونت، ثروت و دانایی برای واداشتن مردم به انجام امری خاص. بنابراین علی‌رغم عقاید مختلفی که درباره قدرت وجود دارد؛ اما یک دیدگاه بسیار رایج درباره قدرت این است که طبق آن: «الف» قادر است «ب» را وادار به انجام کاری کند که در غیر این صورت، «ب» آن را انجام نمی‌دهد (Mousavi Zare & others, 2017: 106).

از دیدگاه نای قدرت به دو بخش قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم می‌شود. «قدرت سخت شکل بسیار ساده و قابل درک قدرت است. قدرت سخت راحت‌تر از قدرت نرم تجربه می‌شود. قدرت سخت قدیمی‌تر از قدرت نرم است و خود را در روشی بسیار عملی و مستحکم نشان می‌دهد. علاوه بر این، قدرت سخت آسان‌تر دیده می‌شود و سنجش اثرات آن آسان‌تر است و همانند قدرت نرم، صرفاً حامل رویکرد ایدئولوژیک مختص خود نیست، بلکه می‌تواند در زمینه‌های مختلف یافت شود. هر کسی با قدرت سخت آشنا است. می‌تواند بر روی انگیزه‌ها (هویج) و یا تهدید (چماق) تکیه کند. قدرت سخت به عنوان توانایی رسیدن به آنچه که شما می‌خواهید از طریق استفاده از قدرت اقتصادی یا از طریق استفاده از نیروی نظامی، از طریق تهدید کسانی که از برتری اقتصادی خود یا توانایی‌های اجباری خود علیه آنها استفاده خواهید کرد، تعریف می‌شود (Palaver, 2011: 81). قدرت نرم متضمن استفاده از استراتژی اقناع، مقبولیت و پذیرش داوطلبانه و در یک کلام نفوذ اجتماعی، روحی و معنوی در جامعه هدف است تا صاحب قدرت، حوزه نفوذ فضایی و ژئوپولیتیک خود را گسترش دهد (Ezzati, Gol Afrooz, 2014: 41). منابع قدرت نرم در سطح بین‌المللی را می‌توان ایدئولوژی، مذهب، ارزش‌های موجود در فرهنگ، کارکرد و سیاست‌های داخلی کشورها و نیز افکار عمومی و سازمان ملل متحد دانست (Adami, Qorishi, 2015: 189).

قدرت هوشمند مفهوم دیگری است که نای در ارتباط با گونه‌شناسی قدرت مطرح می‌سازد و اولین کسی بود که تعریف دقیقی از آن ارائه داد و آن «نه قدرت سخت است و نه نرم، بلکه هر دوی آنها است» (Palaver, 2011: 102). نای می‌گوید: من از اصطلاح «قدرت هوشمند» برای توصیف استراتژی‌هایی که با موفقیت منابع قدرت سخت و نرم را ترکیب کرده‌اند، استفاده می‌کنم. ... قدرت هوشمند توانایی ترکیب قدرت سخت اجبار و یا جریمه با قدرت نرم جذابیت در یک استراتژی موفق است (nye, 2004: 9). قدرت هوشمند در واقع نوع جدیدی از قدرت است که به دنبال ترکیب و همپوشانی قدرت سخت و نرم دولت‌ها، برای پیگیری اهداف و منافع

-
1. Nye
 2. Hard Power
 3. Soft Power
 4. smart power

خود در عرصه سیاست جهانی است (Shamiri shekofti; shahandeh, 2018: 34). برای هدفگذاری درست در استفاده از هر دو قدرت سخت و نرم، نیاز به تبیین راهبردی قدرت هوشمند داریم که نه تنها در راستای راهبرد ملی و بین‌المللی و تجمعی از هر دو قدرت نرم و سخت است، بلکه از توانایی و انعطاف لازم برای دستیابی به اهداف و منافع ملی نیز برخوردار است و در عرصه جهانی نیز قدرت هوشمند، رویکردی آینده‌گرا داشته و به جای آنکه درصد تخریب فضای اجرایی باشد، شکل مطلوب خود را از طریق هوشیاری محیطی، مسیریابی، سرعت عمل، انعطاف‌پذیری، تناسب بین اهداف و منابع قدرت و مشارکت فعال شکل می‌دهد (Mousavi Zare & others, 2017: 109).

منظر پالاور^۱ الگوی قدرت هوشمند به شرح زیر است:

درک بستری که قدرت در آن اعمال می‌شود؛ درک توازن قدرت بین راه‌های سخت و نرم و درجه متفاوتی از شدتی که این دو شکل می‌توانند وانمود کنند؛ بررسی امکان استفاده از قدرت هوشمند، تمرکز ویژه بر روی چارچوب نهادی؛ اتحاد و مشارکت؛ سیاست‌ها و مفاد آنها؛ درک اهدافی که باید به دست آورده شوند (Palaver, 2011: 107).

بر این اساس، مشاهده می‌شود که توجه به دریا و توسعه نیروی دریایی همواره به عنوان یک استراتژی مهم برای گسترش قدرت و کسب جایگاه قدرت جهانی مورد توجه قرار گرفته و پایه گسترش قدرت بسیاری از کشورها در دوره‌های زمانی مختلف بوده است. نیروی دریایی پایه‌ای است که می‌تواند زمینه گسترش قدرت سخت و نرم و نهایتاً قدرت هوشمند دریایی یک کشور را به راحتی فراهم آورد.

۴. یافته‌ها

۴-۱. موقعیت دریایی ایران و ضرورت تقویت نیروی دریایی

موقعیت دریایی ایران به گونه‌ای است که یک نیروی دریایی بسیار کارآمد را می‌طلبد تا بتواند به یک قدرت دریایی تبدیل گردد و بر پایه آن از منافع ملی خود دفاع نماید. تضعیف نیروی دریایی یا وجود یک نیروی دریایی ناکارآمد می‌تواند پیامدهای امنیتی ناگواری را به همراه داشته

1.Palaver

باشد و نتواند از این موقعیت دریایی بسیار مناسب در راستای تقویت قدرت دریایی خود استفاده نماید.

«از آنجا که در فضای دریایی موقعیت مهم است و ارزش و قدرت یک موقعیت خاص در فضای دریایی می‌تواند به عنوان پتانسیل موقعیت شناخته شود» (Hawang, 2008: 103)، ایران نیز با توجه به جغرافیای خود از پتانسیل موقعیت خوبی برخوردار است. ایران به لحاظ جغرافیایی در مرکز جهان اسلام واقع شده است و با دارا بودن بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر خط ساحلی، دسترسی به دریا در شمال و جنوب کشور، دسترسی به آب‌های آزاد، قرارگیری بر سر مسیر کریدورهای ترانزیتی شمالی- جنوبی و عملکرد ارتباط دهنده کشورهای آسیای مرکزی با آب‌های جنوب کشور از مزیت دریایی بی‌نظیری برخوردار است (Azami & Mousavi Zare, 2016: 20). چهار حوزه دریایی ایران عبارتند از: دریای عمان، تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای خزر. هر کدام از این حوزه‌ها جغرافیا و چالش‌های خاص خود را دارند و ایران را سوق می‌دهند تا دفاع متناسب با موقعیت را طراحی نماید (Office of naval intelligence, 2009: 10).

موقعیت جغرافیای خلیج فارس، ارزش ژئوپولیتیک خاصی به این منطقه داده است؛ زیرا خلیج فارس و تنگه هرمز در موقعیت ریملند نظریات ژئوپولیتیک واقع شده است و محل تماس دو قدرت بحری و بری را تشکیل می‌دهد. تنگه هرمز در مرکز ریملند واقع شده است؛ یعنی بخش شرقی و غربی و جنوبی و شمالی ریملند را به هم پیوند می‌دهد و کنترل آن به معنی کنترل چهار بخش یاد شده خواهد بود (Hafeznia, 2003: 91). خلیج فارس همانطور که برای مدت‌های طولانی در طی تاریخ به برکت موقعیت جغرافیایی خود، عمدتاً به دلیل فراهم آوردن یک مسیر ارتباطی و نیز به خاطر قرار دادن یک ابزار سلطه دریایی در دست قدرت‌هایی که توانایی استقرار در آنجا را داشتند، اهمیتی موثر هم برای غرب و هم برای شرق پیدا کرده بود، امروزه نیز اهمیت اساسی خود را به خاطر دو منفعت غیر قابل چشم‌پوشی حفظ کرده است: نفت و استراتژی نظامی - سیاسی (Standish, 2004: 284).

همچنین، خلیج فارس دارای جزایر متعددی است. مجموع جزایر شناخته شده خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره با مساحت‌های متفاوت می‌باشد. جزایر ایرانی که در بخش شمالی خلیج

فارس قرار دارند اکثراً مسکونی می‌باشند. از مجموع جزایر ایرانی خلیج فارس هفت جزیره به عنوان کلید تنگه هرمز هستند که در نتیجه اهمیتی استراتژیک دارند. این جزایر عبارتند از: هرمز، قشم، لارک، هنگام، تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی (Elahi, 2012: 39). پراکنش جغرافیایی جزایر ایران در خلیج فارس به گونه‌ای است که تقریباً نیمی از آب‌های این منطقه تحت کنترل و نظارت ایران هستند. از میان این جزایر، جزایر سه‌گانه از شرایط خاصی برخوردار هستند که همین شرایط نیروی دریایی قدرتمندی را می‌طلبد. چرا که «جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک مشکلات خاصی را به وجود می‌آورند؛ زیرا آنها در کانال‌های اصلی کشتیرانی درست در غرب تنگه هرمز واقع شده‌اند و سرزمین‌های مورد اختلاف بین ایران و امارات متحده عربی هستند» (Cordesman, 2004: 29).

از طرف دیگر، تنگه هرمز شاهراه بین‌المللی نفت و گلوگاه جهان است که منافع حیاتی اروپای غربی، ژاپن و به شکل مضاعفی منافع ایالات متحده در آن در معرض خطر قرار دارد (ramazani, 1979: 78). بیش از ۴۰ درصد تجارت جهانی نفت، یعنی در حدود ۱۷ میلیون بشکه در روز از تنگه هرمز می‌گذرد (Haghshenass, 2008: 2) و لذا تا زمانی که نفت در خلیج فارس وجود دارد و بقیه جهان آن را می‌خواهد، تنگه هرمز بزرگراه مهم حمل نفت از طریق کشتی باقی خواهد ماند (mousavi jashni, 2014: 169). جغرافیا در خصوص تنگه هرمز بسیار مهم است؛ چرا که به ایران توانایی مختل نمودن اقتصاد جهان را می‌دهد (Office of naval intelligence, 2009: 10). کنترل تنگه هرمز یک ابزار کلیدی است که از طریق آن ایران می‌تواند هر جنگی را بین‌المللی کند و گزینه‌های دیگری را پیشروی ایران قرار می‌دهد. ایران می‌تواند در منطقه با کشورهای که فعلاً از برخورد علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت یا مشارکت می‌کنند برخورد جدی نماید تا آنها را از ادامه چنین مسیری منصرف سازد (Office of naval intelligence, 2009: 9). همچنین، ایران وابسته‌ترین کشور منطقه به تنگه هرمز است و ۱۰۰ درصد صادرات انرژی فسیلی و بیش از ۸۰ درصد صادرات و واردات آن از طریق مسیر فوق‌الذکر انجام می‌شود. بنابراین در شرایط بروز محاصره دریایی و تهدید امنیت تنگه هرمز، ایران به شدت آسیب‌پذیر خواهد بود (Hafeznia, & Rumina, 2005: 10).

بر اساس این واقعیت‌های ژئوپولیتیکی خلیج فارس و تنگه هرمز است که ایران باید در پی توسعه نیروی دریایی خود باشد. وجود این نیروی دریایی نه تنها می‌تواند مدافع منافع ملی ایران در خلیج فارس باشد، بلکه می‌تواند زمینه خیزش ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت دریایی برتر را فراهم آورد. چرا که بسترهای جغرافیایی ایران در این زمینه کاملاً فراهم است و نیازمند اراده ملی و سیاسی برای شکل‌گیری این مهم است.

علاوه بر سواحل جنوب، ایران از سمت شمال با دریای کاسپین هم مرز می‌باشد که از طریق کانال ولگا- دن در روسیه می‌تواند با آب‌های آزاد ارتباط برقرار کند. در محدوده آب‌های دریای کاسپین پنج کشور حضور دارند که در میان آنها کشور روسیه از قدرت‌های دریایی جهانی محسوب می‌گردد. علاوه بر تهدیدات نظامی این دریا از طرف کشورهای منطقه و یا فرامنطقه‌ای، منافع اقتصادی و به خصوص منابع هیدروکربنی عظیمی وجود دارد که در دوره‌های گذشته به خصوص بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند. «منطقه خزر در حال حاضر یکی از تولیدکنندگان مهم (و نه اصلی) انرژی در جهان به شمار می‌رود. بر اساس برآورد مشترکی که شرکت نفت انگلیسی به همراه اداره انرژی ایالات متحده و سازمان بین‌المللی انجام داده است، تولید نفت دریای خزر در سال ۲۰۰۵ به ۹/۱ میلیون بشکه در روز بالغ گردیده که معادل دو درصد تولید جهانی می‌باشد. در خصوص گاز طبیعی آمار و ارقام موجود از این فراتر است. تولید گاز بالغ بر ۳ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۰۵ بوده است که معادل ۳ درصد تولید جهانی است» (Imami Meybodi, Esmaceli, 2008: 16). حفظ ثبات این منطقه و تامین امنیت نظامی و اقتصادی ایران از مسائلی است که ضرورت توسعه نیروی دریایی در این دریا را الزام‌آور می‌سازد.

همچنین، از آنجا که بسیاری از تهدیدات امروزی در سراسر جهان دریاپایه هستند، ایران باید برای دفاع در برابر آنها نیروی دریایی و استراتژی دریایی مناسب خود را طراحی نماید. ایران با رقبای منطقه‌ای مواجه است که می‌توانند منافع ملی آن را مورد تهدید قرار دهند. لذا با گسترش توان نیروی دریایی باید آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد. ایران با این اقدام، می‌تواند زمینه بازدارندگی این رقبای را که عمدتاً در حاشیه خلیج فارس قرار گرفته‌اند، فراهم آورد. یا در صورت

تهدید مستقیم، منافع و حتی نیروی دریایی آنها را مورد هدف قرار دهد. «ایران آسیب‌پذیری‌های جدی خود را دارد، اما این بدان معنا نیست که هر تضمینی وجود دارد که به عربستان و دیگر تاسیسات خلیج حمله نشود. ایران تعدادی جزیره در کانال‌های اصلی کشتیرانی به تنگه در سمت خلیج فارس را در اختیار دارد. ایران پایگاه اصلی دریایی و هوایی در ساحل در بالای تنگه در بندرعباس دارد» (Cordesman, 2004: 29). نیروی دریایی عراق در جریان جنگ ایران و عراق در سالهای ۱۹۸۰-۸۸ در اجرای عملیات تهاجمی در برابر نیروی دریایی ایران شکست خورد و در اولین روزهای جنگ، به پایگاه‌های خود در ام‌القصر و بصره و آبره خور عبدالله عقب‌نشینی کرد. علاوه بر این، تا زمان آتش بس ۱۹۸۸، نیروهای قابل توجهی را در خلیج فارس پیاده نکرد (vego, 2005: 101).

بعلاوه، ایران می‌تواند از جانب رقبای جدی فرامنطقه‌ای خود از سمت دریا مورد تهدید قرار گیرد. تقویت نیروی دریایی و گسترش استراتژی دریایی یکی از راه‌های مقابله با چنین نیروهایی است. چرا که یکی از شیوه‌های مقابله این رقبا با ایران در دریا و از دریای می‌باشد. به عنوان مثال «نیروی دریایی ایالات متحده در سالهای ۱۹۸۷ تا ۸۸ به جای اینکه به طور کامل توانایی مین‌گذاری ایران در این خلیج را از بین ببرد، مین‌روبی مداوم مین‌هایی که توسط ایرانیان در آب‌های بین‌المللی کار گذاشته شده بودند، را انتخاب کرد. ایالات متحده به دیگر اقدامات ایران با انجام شلیک آتش علیه سیستم‌های نفتی ایران واکنش نشان داد» (Vego, 2005: 97). لذا نیروی دریایی مقتدر، علاوه بر ایجاد بازدارندگی این نیروها برای اقدام بر علیه ایران، در شرایط تنش مستقیم و نابرابر می‌تواند زمان را از این رقبا گرفته و زمینه گسترش عملیات تاخیری را فراهم آورد.

ایران، علاوه بر دریاهاى بلافصل، از طریق دریای عمان و اقیانوس هند نیز با دریاهاى آزاد دسترسی پیدا می‌کند. ایران در دریاهاى دورتر برای تامین اهداف نظامی و غیرنظامی خود، به خصوص تامین منافع دریایی و تجارت دریایی خود نیاز به گسترش نیروی دریایی دارد. امروزه دزدی دریایی از جمله تهدیدهای پیشروی ناوگان‌های تجاری دریایی جهان می‌باشد و کانون این تهدیدات در مسیرهای اصلی تجاری دریایی ایران قرار گرفته است. «امروزه مناطقی که

بیشترین خطر دزدی دریایی را دارند در شاخ آفریقا هستند، از جمله دریای سومالی، خلیج عدن (GOA)، اقیانوس هند غربی، دریای عرب و دریای سرخ. در آسیا، آب‌های اطراف اندونزی، مالزی و هند پر تهدیدترین کریدورها هستند» (Kraska, 2011: 1)، و این مناطق از مسیرهای اصلی تجارت دریایی ایران و همچنین ورود نیروهای دریایی بیگانه و به خصوص فرامنطقه‌ای برای نزدیک شدن به ایران و تهدید منافع ملی آن، نه تنها در دریا بلکه در خشکی هستند. لذا بر این اساس توسعه نیروی دریایی در این محیط‌های دریایی نیز برای ایران اهمیت بسیار حیاتی دارد؛ چرا که علاوه بر تامین منافع ملی، حضور موثر و کارآمد نیروی دریایی ایران در این گونه آب‌ها در پرتو انجام کارکردهای سه‌گانه خود، راهی است برای تبدیل این قدرت دریایی منطقه‌ای به یک قدرت دریایی فرامنطقه‌ای و حتی جهانی.

لذا، به طور کلی می‌توان اذعان داشت که با توجه به این موقعیت بسیار مناسب ژئواستراتژیکی و منافع ملی ایران، تامین امنیت نظامی و اقتصادی ایران در دریاهای دور و نزدیک از نخستین ضروریاتی هستند که توسعه نیروی دریایی برای ایران را الزام‌آور می‌سازند و سپس مسأله گسترش دیپلماسی دریایی، به عنوان یک کارکرد جدید، اهمیت توسعه استراتژی دریایی را در راستای افزایش قدرت دریایی آن برجسته‌تر می‌سازد.

۴-۲. استراتژی سازماندهی مجدد نیروی دریایی و قدرت دریایی ایران

نیروی دریایی ایران با توجه به ساختار سازمان‌های نظامی آن، متشکل از دو بخش نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (ندسا) و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نداجا) می‌باشد که هر کدام در بخشی از عرصه دریایی پیرامون ایران قدرت‌آفرینی می‌کنند. لذا استراتژی دریایی ایران ترکیبی از استراتژی و تاکتیک دریایی خاصی می‌باشد تا بتواند از قدرت دریایی خود به شکل مناسبی استفاده نماید. این استراتژی دریایی چندین بار تغییر نموده است که نوین‌ترین استراتژی دریایی ایران، استراتژی سازماندهی مجدد نیروهای دریایی می‌باشد. این استراتژی در لوای تقویت ارکان نیروهای دریایی یک گام اساسی برای تقویت قدرت دریایی ایران است.

ایران استراتژی سازماندهی مجدد نیروی دریایی را در سال ۲۰۰۷ آغاز نمود و وظایف اصلی و حوزه عملیاتی نداجا و نداسا را باز تعریف نمود. این سازماندهی مجدد بر روی دو عنصر اساسی تمرکز نمود: نخست: ابتکار مدرنیزه کردن با هدف گسترش و ارتقای توان تولید نظامی در داخل ایران. دوم: به روشنی مسئولیت‌ها و مأموریت‌های نیروهای دریایی نداسا و نداجا را تعریف نمود. از زمان تاسیس نداسا در سال ۱۹۸۵، مسئولیت‌های دو نیروی دریایی ایران در دریای کاسپین، خلیج فارس و دریای عمان دارای همپوشانی بود (Himes, 2011b: 1). سازماندهی مجدد نیروی دریایی ایران نواحی جغرافیایی مسئولیت نداجا و نداسا را بازسازی کرد و منجر به ایجاد پایگاه‌های جدید و جا به جایی تجهیزات جهت هماهنگی با مسئولیت‌های جغرافیایی جدید آنها شد. به جای اینکه هر دو در حوزه‌های دریایی یکسانی پاسداری کنند، به نداجا مسئولیت دریای خزر و خلیج عمان [و دریاهای دور از سواحل ایران] و به نداسا خلیج فارس واگذار شد، البته با وجود برخی همپوشانی تجهیزات و نقش‌ها در تنگه هرمز (Himes, 2011a: 12). تقسیم جغرافیایی دو نیروی مسلح نه تنها فرماندهی و کنترل را از طریق کاهش نیاز به هماهنگی روان می‌سازد و ناهماهنگی بین دو نیروی مسلح دریایی مختلف عمل کننده در فضای آبی یکسانی را از بین می‌برد، بلکه همچنین بی‌نظمی و سوءمدیریتی که در زمان جنگ دشمن می‌تواند از آن بهره‌برد را کاهش می‌دهد (Office of naval intelligence, 2009: 12). فرماندهان ارشد نداجا و نداسا تاکید کرده‌اند که چیدمان مجدد پایگاه‌های موجود و ایجاد پایگاه‌های جدید، یک خط دفاعی برای جلوگیری از تهدیدات بالقوه، یعنی ایالات متحده و گروه‌های ضربت نیروی‌های دریایی متحدین، از رسیدن به تنگه هرمز و خلیج فارس، ایجاد خواهد کرد (Himes, 2011a: 12).

این تقسیم پهنه‌های اصلی آب‌های ایران به شکل منطقی از ویژگی‌های کشتی‌های نداسا و نداجا منبعت شده است. نداجا با رزم ناوهای بزرگ قدیمی و کشتی‌های کمکی فعالیت می‌کند که استقامت و کیفیت ماندگاری دریایی مورد نیاز برای موشک‌ها و گشت‌های دریایی طولانی مدت در آب‌های آزاد را دارد. این وضعیت باعث می‌شود نداجا به شکل یک نیروی مناسب برای استقرار در دریای عمان درآید تا گشت‌های شناسایی ایران را تا حد ممکن گسترش دهد

و همچنین تا حد ممکن نیروهای دشمن را بیرون از سرزمین ایران درگیر نماید. ندسا به شکل نیرویی با قایق‌های خیلی کوچک‌تر که بیشتر آنها استقامت و ساختار مناسب برای ماندن در دریا برای بیشتر از چند روز را ندارند، عمل می‌کند (Office of naval intelligence, 2009: 12). تعیین مسئولیت اصلی ندسا در خلیج فارس، مزایای طبیعی یک نیروی کوچک، سریع و غیرمتعارف که در حیات خلوت خود فعالیت می‌کند، را تقویت می‌کند. در عین حال، ساختار جدید اجازه می‌دهد تا نیروی دریایی ارتش که حرفه‌ای‌تر است در پلتفرم‌های دریای آزاد در خارج از محدوده‌های بسته خلیج فارس عمل نماید و بر گسترش منطقه‌ای خود تمرکز نماید. این تقسیم حوزه‌های عملیاتی پیچیدگی و عمق دفاع دریایی ایران را افزایش می‌دهد؛ چرا که نیروی دریایی ایران می‌تواند از دریای عمان برای گسترش دفاع سطحی، زیرسطحی و موشک‌کروز در امتداد ساحل جنوب شرقی در فاصله بسیار دورتر از تنگه هرمز استفاده کند (Himes, 2011b: 2).

به طور کلی، استراتژیست‌های دفاعی ایران اهمیت فزاینده محیط دریایی را تشخیص می‌دهند و نیروهای دریایی خود را جهت برآورده نمودن منافع تهران شکل می‌دهند. ندسا بر دکتترین نامتقارن تأکید دارد تا امنیت ملی را در خلیج فارس در برابر همسایگان منطقه‌ای و حضور خارجی حفظ کند و نداجا، که توسط رهبر معظم به عنوان یک نیروی استراتژیک نامیده شد، از دکتترین متعارف‌تری استفاده می‌کند و بر حضور پیش‌تازانه و دیپلماسی دریایی تمرکز دارد (Office of Naval Intelligence, 2017: 5). لذا این سازماندهی مجدد نیروی دریایی نشان‌دهنده درک ایران از نقش نیروی دریایی در چگونگی تولید قدرت در دو بعد قدرت؛ یعنی قدرت سخت و قدرت نرم در دریا است که با تکیه بر دو بنیاد نظری مسائل نظامی یعنی تاکتیک و استراتژی تعریف شده است. بر این اساس برای فهم بهتر بازآفرینی قدرت دریایی ایران از طریق نیروی دریایی خود، در دو حیطه جداگانه زیر مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

الف- ندسا؛ نیروی دریایی تاکتیکی و قدرت سخت

نیروی دریایی سپاه به پیشنهاد سرلشکر پاسدار محسن رضایی و فرمان سیدروح‌الله خمینی [ره] و به فرماندهی حسین علایی در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد. این نیرو به سرعت با استراتژی قایق‌های تندرو در عملیات‌های مختلف جنگ از جمله والفجر ۸، فتح اسکله الامیه، درگیری با نیروی دریایی آمریکا توسط نادر مهدوی در مهر ۱۳۶۶ و همچنین گشت‌های پراکنده در خلیج فارس و تنگه هرمز به تجربه‌اندوزی پرداخت و آرام آرام به یک نیروی تاثیرگذار تبدیل شده است (<http://www.yjc.ir/fa/news/5700814>). در حال حاضر، همانطور که در جدول شماره ۱ دیده می‌شود، ندسا دارای پنج مرکز فرماندهی متفاوت در خلیج فارس؛ از جمله فرماندهی پنجم جدید نیروی دریایی است که برای پوشش ابوموسی و تنب‌ها طراحی شده است (Cordesman, 2014: 34). ستاد ندسا در بندرعباس واقع شده است. مراکز تابعه این فرماندهی و معاون فرمانده، فرماندهان مناطق پنج‌گانه ناحیه نیروی دریایی سپاه هستند که در شهید باهنر، بوشهر، بندر ماهشهر، عسلویه و بندر لنگه واقع هستند. فرماندهان مناطق نیروی دریایی مسئولیت عملیات دریایی روزانه برای مناطق خود را دارند. عزیمت نداجا از خلیج فارس، با توجه مزیت کشتی‌های کوچکتر که نظم نبرد در نیروی دریایی (NOB) را تشکیل می‌دهند، شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای در پوشش ندسا به جای گذاشت. برای پر کردن این شکاف‌ها، ندسا دو منطقه دریایی جدید در مرکز و جنوب خلیج فارس ایجاد کرد (Office of Naval Intelligence, 2017: 15).

جدول ۱: مناطق و مراکز مهم نداسا و نداجا

نداجا		ندسا	
محل استقرار	منطقه	محل استقرار	منطقه
بندرعباس	منطقه یکم امامت	بندرعباس	منطقه یکم صاحب‌الزمان (عج)
جاسک/بوشهر	منطقه دوم ولایت	بوشهر	منطقه دوم نوح نبی
کنارک	منطقه سوم نبوت	ماهشهر	منطقه سوم امام حسین (ع)
انزلی	منطقه چهارم امام رضا (ع)	عسلویه	منطقه چهارم تارالله
تهران	ستاد مرکزی نیروی دریایی ارتش	بندر لنگه	منطقه پنجم امام محمد باقر (ع)
بندرعباس	قراگاه مقدم ناوگان جنوب ارتش	بندرعباس	ستاد فرماندهی

با توجه به عملکرد ندسا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز می‌توان اذعان نمود که این نیرو وظیفه نیروی دریایی تاکتیکی جمهوری اسلامی ایران را بر عهده گرفته است و در مواقع جنگ و صلح با استفاده از امکانات و تجهیزاتی که در اختیار دارد به دفاع از جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این نیرو با انجام وظایف روزمره و واکنش مقتدرانه و به موقع نسبت به تحرکات دشمنان و قوای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حافظ قلمرو دریایی ایران بوده و مانع ناامنی و بی‌ثباتی نظامی و سیاسی و اخلال در امر تردهای تجاری شده و امنیت نظامی و اقتصادی ایران در عرصه دریایی خلیج فارس و تنگه هرمز را تامین می‌کند. ندسا در محافظت از منافع ملی ایران در خلیج فارس، نیرویی جدی و کارآمد نشان داده شده است که بر اساس مأموریت خود سعی نموده است تا با ایفای وظایف نظامی و نظارتی خود توان قدرت دریایی ایران را گسترش دهد. قدرت دریایی که در سایه عملکرد ندسا فراهم آمده است به شدت نسبت به منافع ملی حساس می‌باشد و به چالش‌های پیشرو واکنش نشان می‌دهد. از مهمترین اقدامات این نیرو در خلیج فارس می‌توان به دستگیری ۱۵ تن از خدمه نیروی دریایی انگلیس، در تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۰۷ و دو فروند قایق جنگی آمریکایی حامل ۱۰ ملوان آمریکایی در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۶ و هدف قرار دادن پهپاد جاسوسی و بدون سرنشین گلوبال‌هاوک آمریکا در ۳۰ خرداد ۱۳۹۸ به دلیل ورود غیرقانونی به آب‌های سرزمینی ایران و فراز آن در خلیج فارس و تنگه هرمز اشاره کرد.

بعلاوه، استقرار ندسا در خلیج فارس پاسخ به شرایط جغرافیایی این دریا و تاکتیک‌های مورد نیاز ایران برای دفاع از منافع خود در دریا است. «ایران در استفاده از زیردریایی‌های خود در آب‌های محلی با مشکلات عملیاتی قابل توجهی مواجه است. بسیاری از مناطق خلیج فارس برای عملیات زیردریایی مناسب نیستند. خلیج منطقه‌ای با حدود ۲۴۱۰۰۰ کیلومتر مربع است و ۹۹۰ کیلومتر از شط‌العرب تا تنگه هرمز امتداد دارد. حداکثر عرض آن حدود ۳۴۰ کیلومتر است و در بیشتر پهنای خود حدود ۲۲۵ کیلومتر طول دارد. در حالی که الگوهای گرما، ردیاب‌های سطحی را مختل می‌کنند، ردیاب‌های زیردریایی‌ها را نیز مختل می‌کنند و به نظر می‌رسد این مزیت تا حدی به نفع کشتی‌های سطح پیشرفته و هواپیماهای گشتی دریایی باشد. بخش‌های عمیق خلیج فارس آنقدر شلوغ هستند که عملیات‌های ضدزیردریایی (ASW) را دشوار می‌سازد،

اما بخش‌های زیادی از خلیج فارس، از جمله بیشتر جنوب خلیج در خطی از الجبیل در سراسر راس قطر تا حدود نیمه راه امارات متحده عربی، کمتر از ۲۰ متر عمق دارد. آب‌های عمیق‌تر در طرف ایران قرار دارد، اما حداکثر عمق خلیج فارس که در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب جزیره کیش واقع شده - فقط ۸۸ متر است. این بدان معنی است که هیچ نقطه‌ای در خلیج فارس عمیق‌تر از طول یک زیردریایی هسته‌ای SN-688 نیست. تنها ارتفاع کف تا برجک چنین زیردریایی ۱۶ متر است. حتی زیردریایی‌های ساحلی کوچکتر دارای مانور و مشکلات مکش پایین هستند و نمی‌توانند در ترموکلیون‌ها پنهان شوند یا از غواصی برای پنهان شدن یا حفاظت خود استفاده کنند (Cordesman, 2004: 23). از آنجا که شرایط جغرافیایی یکی از عوامل موثر بر قدرت دریایی می‌باشد، این جاگیری مناسب ندسا با توجه به تسلیحات در اختیار خود، پاسخ مناسبی است به جغرافیای این پهنه آبی و حکایت از پتانسیل بالای قدرت دریایی ایران در این دریای بسته دارد. با توجه به محدودیت‌هایی که برای ناوها و تجهیزات بزرگ نیروهای دریایی در محدود آب‌های خلیج فارس و به خصوص در سواحل ایران وجود دارد، تجهیزات کوچک ندسا، مثل قایق‌های کوچک دارای کارایی بهتری هستند.

با اینکه پتانسیل نظامی یک نیروی نظامی معمولاً جزء اسرار محرمانه آن می‌باشد و معمولاً اطلاعات روشنی در این زمینه وجود ندارد، اما بعضی منابع تعداد نفرات و توان تسلیحاتی و عملیاتی ندسا را به شکل زیر تعریف نموده‌اند که حکایت از توان این نیرو برای اعمال قدرت سخت دریایی دارد. «از سال ۲۰۰۷، اندازه ندسا از نداجا فراتر رفته است و به حدود ۲۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است. فهرست‌های موجود طیف گسترده‌ای از صدها تا چند هزار کشتی و قایق کوچک را در بر می‌گیرد. ندسا ساختار یک تیپ دفاع ساحلی را برای مدیریت عناصر موشک ضدکشتی ایجاد کرده است. ندسا به عنوان بخشی از ساختار نامتقارن و انعطاف‌پذیر خود، یک ساختار C2 را توسعه داد که به آن زیرمجموعه‌های تهاجمی و دارای استقلال در تصمیم‌گیری اعطا می‌کند (Himes, 2011a: 13). حداقل دارای ۴۰ فروند قایق گشتی سبک، ۱۰ قایق گشتی

حامل موشک هدایت شونده هودونگ مسلح به موشک ضد کشتی C-802 و آتشباری از موشک ضد کشتی زمین پایه HY-2 Seersucker، است. دارای پایگاه‌هایی در خلیج فارس، در فاصله بسیار نزدیک کانال‌های اصلی کشتیرانی و تا حدی در نزدیکی تنگه هرمز است. این پایگاه‌ها دارای تاسیساتی در جزایر فارسی، حالول (یک پلتفرم نفتی)، سیری، ابوموسی، بندرعباس، خرمشهر و لارک است. آن همچنین نیروهای دفاع ساحلی ایران را که شامل توپ‌های نیروی دریایی و یک واحد موشکی ضدکشتی زمین پایه HY-3 Seersucker مستقر در ۷-۵ سایت واقع در سواحل خلیج فارس است، را کنترل می‌کند (Cordesman, 2004: 15). ندسا همچنین از قایق‌های موتوری کوچک و حداقل ۳۰ قایق زودپاک^۱ برای به کار بردن راکت، سلاح‌های کوچک و حملات با سلاح‌های بدون پس‌زنی استفاده می‌کند. دیگر قایق‌های کوچک آن مجهز به ترکیبی از مسلسل، تفنگ‌های بدون پس‌زنی و موشک‌های هدایت شده ضد تانک قابل حمل توسط انسان و خدمه هستند. شناسایی این شناورهای دریایی توسط رادار در هر جایی، به استثنای آرام‌ترین دریاها، دشوار است. ایران آنها را در تعدادی از جزایر فراساحلی و سکوهای نفتی مستقر می‌کند و می‌تواند به سرعت و با هشدار محدود حمله کنند. ندسا همچنین دارای واحدهای توپخانه دریایی، غواصان و مین‌گذاری می‌باشد. انبارهای گسترده‌ای از تجهیزات اسکوبا و یک مرکز نبرد زیرزمینی در بندرعباس دارد. ایران همچنین در حال پیشرفته کردن توانایی‌های دفاعی و بندری جزایر خود در خلیج فارس، به علاوه اسکله‌های پوشیده شده، سنسورهای پیشرفته‌تر و دفاع هوایی بهتر می‌باشد (ibid: 24). در این میان، جزایر تنب بزرگ و کوچک محلی برای باندهای فرودگاهی مستحکم و توپ‌های ضدهوایی است (Cordesman, 2014: 121). ایران در جزیره ابوموسی تعداد زیادی از سلاح‌های شیمیایی، عمدتاً گلوله‌های توپ ۱۵۵ میلیمتری، به علاوه برخی از سلاح بیولوژیکی مجهز شده، را نگهداری می‌کند (Cordesman, 2004: 37). همچنین ابوموسی به محل موشک‌های ضدکشتی «کرم ابریشم»- HY-2 و HAWK SAM شناخته شده است (Cordesman, 2014: 121).

ندسا می‌تواند حملات گسترده را علیه کشتیرانی در خلیج انجام دهند، تمرینات آبی خاکی منظمی را همراه با نیروی زمینی خود علیه اهدافی مانند جزایر خلیج فارس و حملاتی علیه عربستان سعودی یا سایر کشورهای ساحلی جنوبی خلیج انجام دهند. آنها به ایران توانایی بزرگی برای جنگ نامتقارن می‌دهند (Cordesman, 2004: 15). ایران می‌تواند از ندسا برای انجام نوعی جنگ کم‌شدت یا چریکی استفاده کند که فقط از طریق درگیری مستقیم با نیروهای زمینی می‌تواند شکست بخورد و استحکامات اساسی را به شکل پیاده یا با استفاده از وسایل نقلیه سبک به یک منطقه ساحلی عبور دهد که حمله به چنین استحکاماتی را دشوار می‌سازد. ایران می‌تواند تقریباً از هر قایق نجات کوچکی برای مین‌گذاری و قرار دادن مین‌های سرگردان در خطوط کشتیرانی استفاده کند. ندسا می‌تواند از قایق‌های کوچک برای حمله به تاسیسات فراساحلی و حمله به اهداف ساحلی استفاده کند. مهم است توجه داشته باشیم که ایالات متحده موفق نشد یک پرتاب‌کننده موشک ضدکشتی عراقی مستقر در خشکی را در طول جنگ خلیج فارس نابود کند و سپاه پاسداران در حال حاضر دارای بسیاری از سایت‌های پرتاب‌کننده و مکان‌های انبار در طول یک ساحل بسیار طولانی است. همچنین دارای تعداد زیادی از غارها، پناهگاه‌ها و تاسیسات مستحکم سازی شده کوچک است. چنین اهدافی در مواقعی که استفاده شوند به دشواری شناسایی می‌شوند، و مشکلات مضاعفی را نشان می‌دهند؛ زیرا آنها برای حمله با مهمات با هزینه بالا معمولاً خیلی کوچک و متعدد هستند مگر آن که روشن شود به اندازه کافی ارزش چنین حملاتی دارند (ibid: 24).

در حالی که ایران جزایر واقع در کانال‌های کشتیرانی را دژسازی نکرده است، سپاه پاسداران را به برخی از این جزایر اعزام کرده است و تعدادی از آنها دارای فرودگاه‌ها یا باندهای فرود و تاسیسات محدودی برای نیروی دریایی هستند. این در عرض چند دقیقه زمان پرواز از تنگه است، و دارای پایگاه‌های دیگری در سواحل خلیج فارس است که در حال گسترش به نقاط نزدیک مرز خود با کویت هستند. این در عرض ۵-۷ دقیقه پرواز از اهداف در ساحل عربستان سعودی و ساحل خلیج در هر کدام از کشورهای دیگر در جنوب خلیج فارس است و کوه‌های

آن یک سپر طبیعی راداری برای حملات هوایی «پاپ‌آپ»^۱ با هشدار محدود ایجاد می‌کند، مگر اینکه یک آواکس^۲ در حال گشت‌زنی در این منطقه باشد. سپاه پاسداران و نیروهای دریایی ایران می‌توانند ظرف چند ساعت به کانال‌های کشتیرانی و آب‌های عربستان اعزام شوند و ایران در طی جنگ ایران و عراق نشان داد که می‌تواند مین‌های شناور آزاد در کانال‌های کشتیرانی را به روش‌هایی که برای شناسایی بسیار دشوار هستند گسترش دهد. ایران همچنین می‌تواند برای کشتیرانی در تنگه هرمز و خلیج عمان حمله کند (Cordesman, 2004: 30).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از بعد تاکتیکی ندسا توان سخت‌افزاری بسیار بالایی را به دست آورده که در صورت تهدید منافع ملی ایران در دریا یا از دریا به سرعت وارد عمل شده و کارایی خود را نشان می‌دهد. به همین خاطر، «ندسا رویکرد نامتقارن نیرومند خود را حفظ کرده و سرمایه‌گذاری سنگینی در سرعت، تعداد و مرگ‌آوری خود انجام داده است تا ارزش بازدارندگی خود در خلیج فارس را تقویت کند. با مسلح شدن به قایق‌های جدید، مرگبارتر و کوچک با سرعت بالا و به طور بالقوه تکمیل شدن از طریق گسترش قابلیت‌های پشتیبانی کننده مانند رادارهای ساحلی با برد گسترده، موشک‌های بالستیک ضدکشتی اسمارت و حتی زیردریایی‌های در اختیار ندسا، قدرت ندسا از زمان پذیرش مسئولیت دفاع از خلیج فارس در سال ۲۰۰۷ به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است (Himes, 2011a: 6).

به طور کلی، استراتژی دریایی ندسا گسترش استراتژی دفاع ملی ایران است که سعی دارد در صورت امکان از یک حمله دریایی جلوگیری کند و در صورت شکست بازدارندگی سریعاً تقویت شود و در صورت لزوم یک جنگ طولانی مدت را ادامه دهد. اساس این استراتژی بهره‌برداری از جغرافیا و استفاده از دکترین نامتقارن برای مبارزه با یک نیروی از نظر تکنولوژیکی برتر است. به طور خاص، آب‌های کم عمق خلیج فارس و آب‌های باریک تنگه هرمز مساعد مزایای جنگی ندسا در بعضی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان است. ندسا معتقد است که با استفاده از انواع مختلف سیستم سلاح‌های کوچک و سیار با همدیگر، یا با استفاده از قابلیت‌های خود

1 "pop up" air attacks

2 Airborne Warning and Control System (AWACS)

در شیوه‌های غیر منتظره برای غافلگیری تاکتیکی، می‌تواند بر دفاع دشمن در این آب‌های محدود غلبه کند. علاوه بر این، فرماندهان سپاه پاسداران بر این باورند که غیرت انقلابی و معنوی ملوانان آنها به نیروی آنها در برابر دیگر نیروهای دریایی، که پرسنل‌شان به شدت بر تکنولوژی تکیه می‌کنند، یک مزیت می‌بخشد (Office of Naval Intelligence, 2017: 21).

طبیعتاً یکی از مهمترین ارکان قدرت دولت‌ها در تمام عرصه‌های فضایی توان سخت‌افزاری آنها می‌باشد و قدرت سخت رکن اصلی اعمال قدرت کشورها می‌باشد. با توجه به شرایط بالا، ندسا می‌تواند قدرت سخت دریایی ایران را اعمال کند و نه تنها مدافع منافع ملی خود باشد، بلکه در صورت همکاری کشورهای پیرامون امنیت جمعی خلیج فارس را نیز فراهم آورد. این قدرت دریایی سخت ندسا در کنار قدرت دریایی نرم نداجا می‌تواند قدرت دریایی ایران را به طور کامل گسترش دهد.

ب- نداجا؛ نیروی دریایی استراتژیک و قدرت نرم

نیروی دریایی ارتش پس از نگاه ویژه مقام معظم رهبری به آن که فرمودند: نیروی دریایی یک نیروی راهبردی است، تغییرات بنیادین را در خود تجربه نمود (Jahanirad, 2012: 8). بر اساس بعضی منابع، از نظر توان نظامی، نیروی دریایی ایران دارای ۱۸۰۰۰ نفر است. در مجموع شامل دو تیپ نیروی دریایی با حدود ۲۶۰۰ نفر و نیروی هوایی ۲۰۰۰ نفری است. دارای ۳ زیردریایی، ۳ فریگت، ۲ کوروت، ۱۰ شناور گشتی موشک‌انداز، ۷ کشتی جنگی مقابله با مین، ۴۴ شناور گشتی ساحلی و نزدیک ساحل و ۹-۱۰ کشتی آبی خاکی است. شاخه هوای دریایی نداجا یکی از معدود عناصر هوایی در هر کدام از نیروی دریایی خلیج است و دارای ۵ هواپیمای گشتی دریایی و ۱۹ بالگرد مسلح است. هنگامی که با ندسا ترکیب شود، در مجموع یک نیروی دریایی با قدرت ۳۸۰۰۰ نفر با قابلیت‌های قابل توجهی برای جنگ‌های منظم دریایی و نامتقاران دریایی است (Cordesman, 2004: 18).

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده شد؛ از نظر پراکنش حوزه ماموریت، دفتر مرکزی نداجا در تهران واقع شده است. نداجا همانند ندسا نیز به چهار ناحیه دریایی جغرافیایی که در بندرعباس، بوشهر/جاسک، چابهار و بندر انزلی در کاسپین واقع هستند، تقسیم شده است. هم

زمان با ندسا، پس از سازماندهی مجدد دریایی در سال ۲۰۰۷، نداجا نیز تغییراتی را برای فرماندهی و کنترل خود انجام داد، و با اضافه نمودن منطقه‌ای جدید در جاسک که در بین منطقه نیروی دریایی در تنگه هرمز و منطقه سوم نیروی دریایی در چابهار در خلیج عمان واقع شده است، بخش‌های دریایی خود را مجدداً تنظیم نمود. جاسک علاوه بر پر نمودن شکاف جغرافیایی بین غرب خلیج عمان و شرق تنگه هرمز، در نهایت جایگزین منطقه دوم نیروی دریایی در بوشهر می‌شود. در عین حال، ناوگان منطقه دوم نیروی دریایی نداجا به طور دوره‌ای خلیج فارس را برای گسترش مناطق ماموریت نداجا ترک می‌کند. برای تأمین هماهنگی در سه منطقه جنوبی و حضور مقدم برای عناصر ستاد، علاوه بر تهران، نداجا قرارگاه مقدم ناوگان جنوب را در بندر عباس مستقر نموده است (Office of Naval Intelligence, 2017: 15). بعلاوه، تقریباً ۳ هزار پرسنل در خزر دارد. این نیروها شامل بیش از ۵۰ کشتی جنگی و شناورهای پشتیبانی، سپاه تفنگداران دریایی، نیروهای گارد ساحلی و ایرکرفت دریایی است. همچنین کشتی‌های آموزشی در این ناوگان، از جمله یک مین‌روب MSC شاهرخ، ۲ کشتی حمزه و غیره، وجود دارد. در حال حاضر، ایران پس از روسیه دومین ناوگان مهم در خزر را دارد. با این حال، این ناوگان خیلی قدیمی است. به همین دلیل است که تهران تلاش کرده است نیروهای دریایی خود را در خزر از طریق برنامه‌های مختلف تقویت کند. گزارش شده است که دولت برنامه‌های زیادی برای نوسازی ناوگان خود دارد. با توجه به این پروژه‌ها، ناوگان آینده شامل چندین بخش و گردان‌های جداگانه‌ای از کشتی‌ها و زیردریایی‌ها خواهد بود (Cordesman, 2004: 25).

الزام‌آورترین تغییرات در فهرست موجود نداجا در رده‌های زیرسطحی و موشک کروز می‌باشد. ایران دارای دو کلاس زیردریایی اصلی است. نخستین زیردریایی کلاس کیلو ساخت روسیه، با قدرت دیزلی است که در اصل برای جنگ‌های ضد زیردریایی و ضدکشتی طراحی شده است. کیلو حدود ۷۰ متر طول دارد و جابجایی سطح آن ۲۳۰۰ تن است. با شش توپ اژدرانداز ۵۳۳ میلیمتری، قادر به حمل ۱۸ اژدر یا ۲۴ مین می‌باشد. ... دومین کلاس زیردریایی ایران، یک مینی زیردریایی با نام غدیر (Yono) است و تولید داخلی آن در سال‌های اخیر به طور

قابل توجهی افزایش یافته است. زیردریایی‌های کلاس غدیر احتمالاً برای پشتیبانی از شناسایی ساحلی یا نقاط مسدود در مکان‌هایی مانند تنگه هرمز و انجام وظایفی مانند مین‌گذاری، ممنوعیت، و جاسازی نیروها طراحی شده‌اند. با جابجایی ۱۰۰ تن، دارای دو توپ اژدرانداز ۵۳۳ میلیمتری است (Himes, 2011a: 15). نداجا بر توسعه دارایی‌های نامتقارن خود تاکید کرده است و سرمایه گذاری زیادی در توانایی‌های موشک‌های زیرسطحی و ضدکشتی انجام داده است (ibid: 6). به طور کلی، دکترین نداجا به دنبال ایجاد یک دفاع در عمق و ادغام چندین سلاح دریایی، زمینی و هوایی به طور همزمان، برای خیس کردن دفاع دشمن است (Office of Naval Intelligence, 2017: 24).

نداجا علاوه بر توسعه قدرت سخت افزاری و توان دفاع ساحلی خود، «با وجود ناوگان قدیمی خود، موفق شده است که در سال‌های گذشته عملیات‌هایی را تا دریای سرخ و مدیترانه شرقی، انجام دهد و همچنان به طور مداوم مدرنیزه می‌شود» (Himes, 2011a: 6). از این منظر، ایران قصد دارد بر مثلث استراتژیکی^۱ (نقشه ۱) که مسیرهای تجاری دریایی را مشخص می‌کند و از باب‌المندب تا تنگه هرمز و حتی در سراسر اقیانوس هند تا تنگه مالاکا گسترش می‌یابد تأثیر بگذارد (ibid: 11). از بعد ژئوپولیتیکی، پس از تبیین نداجا به عنوان نیروی دریایی راهبردی، منطقه ماموریت آن تغییر کرده و شامل محدوده‌ای وسیع‌تر شده است. منطقه‌ای که ابتدا شامل ۳۰۶ هزار کیلومتر مربع از آب‌های خلیج فارس و دریای عمان بود، از سواحل جنوب شرقی کشور تا شمال اقیانوس هند و مدار ۱۰ درجه عرض شمالی جغرافیایی گسترش یافت و بر اساس ماموریت‌های ابلاغی حتی به صورت موردی تا دریای مدیترانه، اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس گسترش یافته است؛ مناطقی که از نظر ژئوپولیتیکی، بازیگران، رویدادهای اثرگذار در ابعاد جهانی و ... کاملاً متفاوت با منطقه ماموریت قبلی خلیج فارس است و نداجا با توجه به تبدیل شدن به یک نیروی راهبردی علاوه بر درگیر بودن نظامی با مسائل اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی نیز روبروست و لازم بود که به عنوان نماینده‌ای شایسته، موجبات ارتقای جایگاه نظام جمهوری اسلامی را در صحنه بین‌الملل فراهم آورد (Sadeghi, & others, 2012: 6).

لذا، نداجا در چند سال گذشته با اعزام بیش از ۶۰ ناوگروه، که بعضی از مهمترین آنها در جدول ۲ مطرح شده‌اند، حضور دائمی و موثر خود را در عرصه‌های دریایی به ویژه در منطقه خلیج عدن و دریای سرخ نشان داده است و مأموریت‌های دریایی مختلفی انجام داده است. علاوه بر ناوگروه‌های اعزامی ناوگان جنوب، هفت ناوگروه صلح و دوستی نیز از ناوگان شمال به کشورهای حاشیه دریای خزر اعزام شده است. از مهمترین مأموریت‌های این ناوگروه‌ها می‌توان مبارزه با دزدی دریایی، اسکورت کشتی‌های تجاری خودی و غیرخودی، محافظت از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، شرکت در مراسمات سیاسی بعضی از کشورها، مانور و رزمایش امنیت پایدار، ابلاغ پیام صلح و دوستی، نمایش پرچم ایران و به خصوص پاسخ به تهدیدات دریایی و ... اشاره نمود. همانطور که مشاهده می‌شود، بیشتر این مأموریت‌ها مبتنی بر ابزارها و روش‌های قدرت نرم می‌باشند و به این طریق قدرت دریایی نرم ایران را برجسته می‌سازند. نیروی دریای راهبردی ایران با اعزام ناوگروه‌های مختلف به بیشتر قسمت‌های نیمکره شرقی توانسته است علاوه بر نشان دادن توان نظامی ایران در دریا، امنیت دریانوردی تجاری خود و بسیاری دیگر از کشورها را فراهم آورد. این حضور نشان دهنده اقتدار ایران بوده و پیام‌های صلح و دوستی و دیپلماسی دریا را نیز به جهان مخابره می‌نماید. لذا، عملیات‌های اعزامی در فراتر از آب‌های سبز و در دریاهای آزاد، حکایت از درک ایران از اهمیت نیروی دریایی در تولید قدرت نرم بر پایه دیپلماسی دریایی دارد. نداجا از وظیفه‌ای راهبردی برخوردار شده و علاوه بر تولید قدرت سخت وارد فاز تولید قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران شده است. قدرتی که در سایه ارسال ناوگروه‌ها به دیپلماسی دریایی و دفاعی ایران کمک نموده است.

جدول ۲: مشخصات بعضی از ناوگروه‌های اعزامی نیروی دریایی راهبردی

ناوگروه	تاریخ اعزام	بنادر مقصد	نتیجه مأموریت
۱	۸۸/۰۲/۲۰	بنادر جیبوتی	طی مسافت ۱۲ هزار مایل دریایی، رهگیری و رصد بیش از ۷۰۰ کشتی که ۳۶ فروند آن کشتی‌های تجاری و نفتکش ایرانی بودند.
۱۲	۸۹/۱۱/۰۷	بنادر جدّه، لاذقیه و مسقط	عبور از کانال سوئز و حضور در دریای مدیترانه بعد از ۳۲ سال، نجات کشتی تجاری هنگ‌کنگ از حمله دزدان دریایی در مسیر حرکت به سمت دریای سرخ، دومین مأموریت مشترک ناوهای الوند و خارک
۱۴	۹۰/۰۲/۱۰	بنادر صلاله، مسقط و جیبوتی	اولین حضور زیردریایی در مأموریت ناوگروه‌ها، طی مسافت ۳ هزار و ۸۰۰ مایل دریایی، رهگیری ۱۹۹ فروند شناور سطحی و زیرسطحی، اسکورت کشتی‌هایی همانند هوتن و آسا و عطارد،

زیردریایی یونس در این مأموریت ۳۰۳ ساعت قوس (حرکت زیرآب) داشته است، یکی از دو ناوگروه سنگین نداجا بود.			
اولین حضور ناوشکن بومی جماران، طی مسافت ۹ هزار و ۷۰۰ مایل دریایی، نجات کشتی ایرانی در حوالی تنگه باب‌المنذب از حمله ۱۵ فروند قایق تندرو دزدان دریایی، نجات یک کشتی تجاری در حوالی سواحل جنوب شرقی کشور هند از حمله ۳ فروند قایق دزدان دریایی	بنادر صلاله و جیبوتی	۹۰/۰۷/۱۷	۱۶
اولین ورود ناوگان دریایی ایران به اقیانوس آرام، سومین مأموریت مشترک ناوهای خارک و سبلان، طی مسافت ۲۵ هزار کیلومتر، اولین حضور در کشورهای چین و سریلانکا	بنادر ژان ژیانگ و کلمبو	۹۱/۱۱/۰۳	۲۴
سنگین‌ترین ناوگروه اعزامی نداجا، اولین حضور در کشور هند، پیمودن بیش از ۲۲۰۰ مایل دریایی، نجات کشتی‌های پاکستانی و لیبریایی	بنادر بمبئی و کلمبو	۹۲/۰۸/۲۹	۲۸
فرمانده نیروی دریایی ارتش از احتمال اعزام این ناوگروه به اقیانوس اطلس خبر داده بود که بعدها به دلیل تغییر در مأموریت، این اعزام صورت نگرفت.	بنادر صلاله، جیبوتی و مسقط	۹۲/۱۱/۰۲	۲۹
ثبت رکورد حضور در دریا در میان ناوگروه‌ها، اسکورت ۳۰ فروند کشتی تجاری و نفتکش، ۵ مورد درگیری سنگین با دزدان دریایی، اولین عبور از خط استوا و حضور در کشور تانزانیا	بنادر بورت سودان، دارالسلام و صلاله	۹۳/۰۱/۲۹	۳۰
اعزام به شمال اقیانوس هند، مدار صفر درجه، شمال خلیج عدن و تنگه باب‌المنذب، حدود ۷۶۰۰ مایل دریانوردی، چهار درگیری با دزدان دریایی و نجات دو کشتی تجاری و دو نفتکش	بنادر دارالسلام، صلاله و مسقط	۹۴/۱۰/۳۰	۳۸
سفر به اقیانوس هند (جهت شرکت در مراسم بین‌المللی سالروز استقلال کشور هند)	پهلوگیری در هند	۹۴/۱۰/۲۷	۳۹
ایجاد امنیت خطوط کشتیرانی ایران در خلیج عدن، حضور در بندر کراچی پاکستان و بازدید از نیروی دریایی این کشور و تمرین نظامی مشترک، حدود ۲۵۵۰ مایل دریانوردی	بندر کراچی	۹۵/۰۶/۱۷	۴۳
این ناوگروه بعد از دورزدن قاره آفریقا وارد اقیانوس اطلس شد.	بنادر دارالسلام و دوربان	۹۵/۰۷/۱۵	۴۴
ارسال پیام صلح و دوستی	بنادر استراخان در روسیه، ماخاچ قلعه در جمهوری خودمختار داغستان، باکو در آذربایجان و آکتائو در قزاقستان	تیرماه ۱۳۹۲ تا اسفند ۱۳۹۷	ناوگروه- های ناوگان شمال

به طور کلی، نقش نداجا در استراتژی دفاع ملی ایران، دفاع از قلمرو جمهوری اسلامی و حفاظت از منافع اقتصادی کشور در خلیج عمان، دریای خزر، تنگه هرمز و خلیج عدن است. نداجا همچنین به اهداف گسترده‌تر تهران برای ایجاد یک موقعیت مسلط منطقه‌ای از طریق دیپلماسی دریایی و همکاری با سایر نیروهای دریایی منطقه‌ای کمک می‌کند. نداجا بهتر از ندسا برای حمایت از برخی اهداف استراتژیک مستقر شده است، زیرا کشتی‌های بزرگتری دارد و بیشتر یک فرهنگ دریایی سنتی را دنبال می‌کند. طی چندین سال گذشته، نداجا تلاش کرده است استراتژی ملی را از طریق مبارزه با دزدی دریایی و درگیر شدن با نیروهای دریایی منطقه‌ای و بین‌المللی، از طریق تمرینات دو جانبه، بازدیدهای بندری دوجانبه و حضور در سمپوزیوم‌های بین‌المللی گسترش دهد. فرماندهان

نداجا حضور نیروهای دریایی در «مثلث طلایی»^۱ (نقشه ۱) که تجارت اساسی دریایی در آن رخ می‌دهد، را به عنوان مدرکی مبنی بر حفاظت از کشتیرانی بین‌المللی، برجسته کرده‌اند، در حالی که تجربه در منطقه عملیاتی را به دست می‌آورد. در مقایسه با ندسا، نداجا نقش کوچکتری در بازدارندگی بازی می‌کند، با این وجود مسئولیت‌های مهم دفاع از خلیج عمان و تنگه هرمز در صورت وقوع درگیری را بر عهده دارد. نداجا می‌تواند به طور مشابه با سایر نیروهای ساحلی یا متعارف مبارزه کند. به طور مشخص، نداجا قصد دارد تا از کشتی‌های سطحی خود، زیردریایی‌ها، مین‌های دریایی، واحدهای موشک کروز دفاع ساحلی و تجهیزات هوایی، با هم در تنگه هرمز و خلیج عمان استفاده کند. نداجا نیز اگر تصمیم به حمله یا بازداشتن کشتی‌های تجاری و یا محدود کردن دسترسی به تنگه هرمز یا تلاش برای بستن آن باشد، نقش مهمی بازی کند. با این حال، به اندازه کافی مجهز نیست و فاقد مهارت برای مبارزه با یک نیروی دریایی در دورتر از سواحل خلیج عمان است (Office of Naval Intelligence, 2017: 24).

۵. تجزیه و تحلیل

چگونگی اعمال قدرت توسط نیروی دریایی مساله مهمی است که با توجه به نوع قدرت قابل بررسی می‌باشد. جوزف نای به طور کلی قدرت را به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌کند و معتقد است که از ترکیب این دو، قدرت هوشمند شکل می‌گیرد. نیروی دریایی، می‌تواند با استفاده از هر دو نوع قدرت، به شکل هوشمند قدرت دریایی را تحت تاثیر قرار دهد. کشور ایران با توجه به در اختیار داشتن دو نوع نیروی دریایی سعی نموده است که از کارکردهای آنها برای اعمال قدرت بر اساس دو رکن مدیریت نظامی، یعنی تاکتیک و استراتژی، برای تحقق دو نوع قدرت دریایی نرم و سخت استفاده نماید. ندسا، در قالب یک نیروی دریایی تاکتیکی به صورت نماد قدرت سخت دریایی ایران عمل نموده و نداجا، به عنوان نیروی دریایی استراتژیک در قالب قدرت نرم ایفای وظیفه می‌نماید. این ترکیب کاربردی منجر به شکل‌گیری قدرت دریایی هوشمند ایران شده است.

پایه این قدرت آفرینی هوشمند، سازماندهی مجدد این دو نیرو است. ایران با به کارگیری مناسب هنر و علم استفاده از قدرت نیروی دریایی خود در عرصه‌های دریایی، قدرت هوشمند خود را اعمال نموده است تا رسیدن به اهداف استراتژیکی و تاکتیکی در دریا یا از دریا را تحقق بخشد. صحنه‌های دریایی اعمال قدرت ایران با تکیه بر نوع نیروی دریایی آن، زمینه اساسی تحقق اهداف دریایی ایران را فراهم نموده است. بر این اساس اهمیت آب‌های به اصطلاح «آب‌های سبز» و «آب‌های آبی» برای ایران روشن شده و با کارگیری حداکثر توان قدرت سخت خود در آب‌های سبز و قدرت نرم در آب‌های آبی، گام اساسی برای اعمال قدرت دریایی هوشمند خود را فراهم نموده است. اینکه در کدام صحنه آبی باید از قدرت سخت استفاده نمود و در کدام صحنه از قدرت نرم از مهمترین ارکان قدرت هوشمند ایران در زمینه استفاده از صحنه‌های دریایی است و نشان دهنده ادراک ایران از به کارگیری مناسب انواع قدرت و میزان اجبار در صحنه‌های دریایی توسط نیروهای دریایی است. ایران اهمیت صحنه‌های دریایی و نوع قدرت مناسب هر صحنه آبی را به درستی درک نموده است و به درستی تشخیص داده است که در چه بستری و چه محیط دریایی از چه نوع قدرتی استفاده کند. چه نوع قدرتی برای هر محیط دریایی مناسب است و بهتر به اهداف ایران کمک می‌کند. طبیعتاً محیط دریایی بلافاصله ایران یعنی خلیج فارس با توجه به تراکم تهدیدات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آن و همچنین تراکم منافع ملی ایران در این منطقه نیازمند به کارگیری قدرت سخت است و این قدرت سخت است که اهداف جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه تامین می‌نماید. بر عکس در محیط‌های دریایی دورتر و آب‌های آزاد قدرت نرم است که می‌تواند پرستیژ سیاسی ایران را برجسته نموده و هویت جذابی از آن را نشان دهد. لذا، سازماندهی مجدد، با توجه به حساسیت مناطق تحت کنترل ندسا و نداجا، نوع تسلیحات نظامی مورد استفاده، مأموریت‌های تعریف شده و عملکرد آنها زمینه اعمال قدرت سخت و قدرت نرم دریایی را فراهم آورده است. ایران در حالی که سعی می‌کند در محیط دریایی پیرامون خود با تکیه بر ندسا از قدرت سخت خود استفاده نموده و در مقابل هر گونه تهدید نسبت به منافع و امنیت ملی کشور واکنش جدی نشان دهد، از طریق نداجا سعی می‌کند، قدرت نرم و اقتدار دریایی خود را گسترش دهد و همان‌طور که بیشتر نگاه‌های خارج از ایران

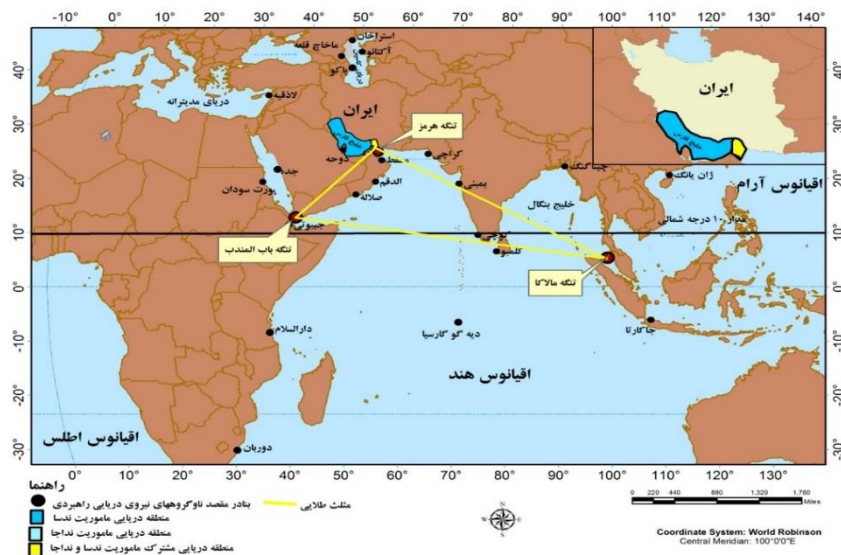
بر روی توانایی رو به رشد جنگ نامتقارن ندسا تمرکز نموده‌اند، مسئولیت نداجا در ایفای نقش قدرت نرم که در بستر دیپلماسی دریایی و کمک‌های بشردوستانه دریایی و همکاری بین‌المللی و گاهی دیپلماسی فرهنگی صورت می‌گیرد، قابل توجه است و این ترکیب، قدرت هوشمند دریایی ایران را شکل داده است.

پیامد اساسی این اقدامات تاکتیکی و عملیاتی این دو نیروی دریایی، به خصوص نداسا، ایجاد سطحی از بازدارندگی در راستای کمک به استراتژی دفاع لایه‌ای است. با توجه به نوع تسلیحات و محیط دریایی که در ماموریت نداسا قرار دارد، تصور تهاجم دریایی به ایران توسط رقبای دریایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بسیار کاهش می‌دهد. تسلیحات و تجهیزاتی مورد استفاده نداسا، از قبیل قایق‌های تندرو، قایق‌های انفجاری، مین‌های دریایی و موشک‌های کروز دفاعی ساحلی که با توجه به شرایط جغرافیایی سواحل جنوبی برای نیروی دریایی ایران وجودی اجتناب‌ناپذیر دارند، به شکل بسیار مناسبی در محیط دریایی خلیج فارس و سواحل ایران قابل استفاده می‌باشند. در محیط دریایی ساحلی و خلیج فارس شرایط جغرافیایی به گونه‌ای است که این تجهیزات از قدرت جابه‌جایی بالایی برخوردارند و سرعت مانور و جابجایی تجهیزات سنگین و به خصوص ناوهای بزرگ به شدت پایین می‌آید و از کارایی آنها در مقابل تجهیزات سبک‌تر کاسته می‌شود. محیطی دریایی که بر عکس برای تجهیزات بزرگ‌تر، به خصوص ناوهای جنگی محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. به همین خاطر، ترس از یک جنگ نامتقارن در این محیط به عنوان یک تهدید برای نیروی دریایی ایالات متحده قلمداد شده و بر اساس بعضی منابع رسانه‌ای و تاکیده‌های بعضی از تحلیلگران، از چنین محیطی دریایی به عنوان کابوس نیروی دریایی ایالات متحده یاد می‌شود. در مقابل، نیروی دریایی ارتش با وجود ناوگان قدیمی از تجهیزاتی برخوردار است که توانایی حرکت در دریاها را دارد و می‌تواند به نقاط دورتر برود و با اعمال دیپلماسی دریایی و یا مقابله با دزدی دریایی و شرکت در مراسمات سیاسی و کارهای بشردوستانه به جذابیت ایران کمک نماید. لذا، یکی از ارکان هوشمندسازی قدرت دریایی ایران بر می‌گردد به نوع تجهیزاتی که در اختیار دو نیروی دریایی ایران قرار دارد.

از طرف دیگر، نیروی دریایی استراتژیک ایران تلاش می‌کند تا منطقه دریایی ماموریت خود را

به دریاهای آزاد کشانده و به خصوص در «مثلث دریایی استراتژیک» یا مثلث دریایی طلایی که از باب‌المنذب به سمت تنگه هرمز و از طریق اقیانوس هند به تنگه مالاکا امتداد می‌یابد و پیرامون مدار ۱۰ درجه و نزدیکی جزیره دیه‌گوگارسیا (شکل ۳) حضور مداوم و تاثیرگذاری داشته باشد. تمام شناورهای دریایی که از خلیج فارس عازم کانال سوئز شده و وارد دریای مدیترانه می‌شوند و آن دسته از کشتی‌هایی که به سمت شرق آسیا حرکت می‌کنند، همه از این مثلث عبور می‌کنند. با افزایش حضور در این مثلث، نداجا می‌تواند به طور کامل بر انتقال انرژی جهان نظارت داشته باشد و در عین حال از منافع ایران حفاظت نماید. در همین حین، در زمان مواجهه با دشمنان و رقبا، از قدرت بازدارندگی بیشتری در این منطقه برخوردار خواهد بود. لذا، حضور مستمر و بااقتدار نیروی دریایی راهبردی در اقیانوس هند از اهمیت استراتژیکی بسیار بالایی برای ایران برخوردار است.

شکل ۳: مناطق دریایی مسئولیت ندسا و نداجا و بنادر مقصد نداجا



- 1.Strategic Maritime Triangle
- 2.Diego Garcia

اگر جمهوری اسلامی ایران در صدد توسعه یک نیروی دریایی قدرتمند برای حضور در این مناطق دریایی تحت مأموریت این نیروهای دریایی، به خصوص در خلیج فارس و تنگه هرمز، نباشد، خلاء قدرت دریایی عمیق‌تر شده و این می‌تواند زمینه‌ساز حضور پررنگ‌تر دیگر قدرت‌های دریایی، به خصوص قدرت‌های فرامنطقه‌ای و از جمله ایالات متحده آمریکا گردد و در صورت تنش منافع ملی ایران مورد تهدید قرار گیرد. ایران می‌تواند از این طریق اهداف خاصی از قبیل بازدارندگی از تجاوز، حفظ خطوط ارتباطی دریایی و منافع اقتصادی در دریا، دفاع از وطن و شکست دشمن و ... را تعقیب نماید.

از سویی دیگر، دشمن شناسی از مسائلی است که در اعمال قدرت کشورها از اهمیت فراوانی برخوردار است. ماهیت تهدیدات ایران نشان می‌دهد که رقبای جدی ایران به خصوص رقبای فرامنطقه‌ای، قدرت‌های دریای پایه هستند و شناسایی راه مقابله با آنان از ضروریات اساسی است. نحوه مقابله یا دفاع در مقابل این دشمن هم باید دریای پایه باشد. رقبای دریایی برای اینکه بتواند حضوری فعال در خلیج فارس داشته باشد، اول از اقیانوس هند و در ادامه آن در منطقه حساس خلیج فارس شروع کرده‌اند و حضور نیروی دریایی ایالات متحده در جزیره دیه‌گوگارسیا و کشورهای منطقه و آب‌های خلیج فارس به مهم‌ترین چالش دریایی پیشروی ایران تبدیل شده است. مقابله با این نیرو نیازمند قدرتی فزاینده در عرصه جنگ‌های منظم و نامنظم دریایی است و ایران باید تدابیری اندیشه کند تا هر زمان که شرایط را بحرانی دید و احساس تهدید کرد از امکانات خود به بهترین نحو ممکن در راستای تغییر وضعیت به نفع خود بهره‌برداری نماید. لذا، در عرصه‌های دریایی مجاور یکی از مسائل مهم برای ایران، دفاع از دور است؛ زیرا این اقدام، هم امنیت عرصه‌های دریایی مجاور مرزهای خود و هم امنیت دریایی ایران را تامین می‌کند و هم باعث عملیات تاخیری می‌گردد. بر این اساس سازماندهی مجدد نیروهای دریایی در حقیقت اقدامی مقابله‌ای در برابر نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قلمداد می‌گردد. با تکیه بر این حضور، ایران می‌تواند صحنه جنگ را از سرزمین اصلی خود دور سازد و تمرکز قوای دشمنان در خلیج فارس را به هم بریزد.

در کنار اقدامات نظامی ندسا در خلیج فارس و تنگه هرمز، مهمترین اقدام نیروی دریایی راهبردی، که تا کنون انجام شده و قدرت نرم دریایی ایران را بسیار تحت تاثیر قرار داده است،

اعزام ناوگروه‌های دریایی به آب‌های دورتر است که حکایت از گسترش قلمرو دریایی و در نتیجه افزایش عمق استراتژیک دریایی ایران دارد. همانطور که در جدول شماره (۳) تعریف شده است، با توجه به حضور نیروی دریایی راهبردی در عرصه‌های دریایی، می‌توان دریافت که این نیرو بر اساس مقصد ناوگروه‌های اعزامی در یک دهه گذشته (نقشه شماره ۱)، پنج مرحله را پشت سر گذاشته است و هر ساله تلاش دارد تا مراحل تکمیلی تری را تجربه نماید. مراحل تحول دریانوردی این نیرو از پهنه‌های آبی مجاور شروع شده و در مراحل بعدی به سطح اقیانوس‌ها رسیده است. با برنامه‌ریزی برای مدرنیزاسیون این نیرو، می‌توان آن را وارد مراحل تکاملی نمود که در آینده می‌توانند رخ دهند. با تکمیل این مراحل نیروی دریایی راهبردی ایران می‌تواند در هر کریدور دریایی از جهان حضور موثر داشته باشد و اقتدار دریایی خود را نشان دهد. البته قابل ذکر است که بدون رونق همه جانبه این نیرو، به خصوص به روز نمودن تجهیزات و دسترسی به ناو هواپیمابر، ورود به مراحل تکاملی اشتباهی استراتژیک محسوب می‌شود؛ چرا که در صورت ایجاد حساسیت برای قدرت‌های دریایی برتر جهانی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، می‌تواند به سرعت آسیب دیده و نوعی بازگشت به عقب شکل گیرد.

جدول ۳: مراحل تحول دریانوردی نیروی دریایی راهبردی

مرحله	زمان	عرصه حضور	پیامد استراتژیک
اول	قبل از تشکیل نیروی دریایی راهبردی	خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان در جنوب و دریای کاسپین در شمال	کنترل تنگه هرمز و محافظت از منافع ملی در محیط دریایی بلافصل ایران
دوم	تشکیل نیروی دریایی راهبردی تا اعزام ناو گروه دوازدهم	عبور از دریای عمان و ورود به شمال اقیانوس هند	پهلوی گرفتن در بندر جیبوتی در کرانه شرقی قاره آفریقا و رسیدن به ورودی تنگه استراتژیک باب‌المندب و شکل‌گیری دیپلماسی دریایی ایران
سوم	اعزام ناو گروه دوازدهم	عبور از دریای سرخ و عبور از شرق دریای مدیترانه	عبور از تنگه استراتژیک باب‌المندب، کانال سوئز و ورود به دریای مدیترانه، دور زدن شبه‌جزیره عربستان، پهلوی گرفتن در ساحل شرقی دریای مدیترانه در نزدیکی سواحل اسرائیل اشغال‌گر
چهارم	اعزام ناو گروه بیست و چهارم	عبور از اقیانوس هند و ورود به اقیانوس آرام	عبور از تنگه استراتژیک مالاکا و ورود به اقیانوس آرام و پهلوی‌گیری در سواحل شرقی قاره آسیا
پنجم	اعزام ناو گروه چهل و چهارم	عبور از اقیانوس هند و رسیدن به آب‌های اقیانوس اطلس	پهلوی گرفتن در بندر دوران در سواحل جنوبی قاره آفریقا و رسیدن به دماغه امید نیک
مراحل تکاملی	آینده	عبور از اقیانوس هند و ورود به اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه	گذر از دماغه امید نیک، دور زدن قاره آفریقا و گذر از تنگه استراتژیک جبل‌الطارق، نزدیکی به مرزهای آبی قدرتمندترین نیروهای دریایی جهان (ایتالیا، بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده)

تبیین نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۷۳

عبور از عرض اقیانوس اطلس و رسیدن به شرق قاره آمریکا	نزدیکی به مرزهای آبی قدرتمندترین نیروهای دریایی جهان
عبور از عرض اقیانوس اطلس و رسیدن به اقیانوس آرام	نزدیکی به مرزهای آبی قدرتمندترین نیروهای دریایی جهان، عبور از کانال استراتژیک پاناما در آمریکای مرکزی یا گذرگاه دریک در جنوب قاره آمریکا
عبور از عرض اقیانوس‌های اطلس و آرام	تکمیل مدار ۳۶۰ درجه در دریانوردی و ورود به جرگه قدرت‌های برتر دریایی
عبور از دریای کاسپین و رسیدن به دریای سیاه از طریق کانال ولگا-کازان	عبور از تنگه‌های بسفر و داردانل و توسعه ناوگان شمال کشور

اعزام ناوگروه‌های نداجا از ابعاد مختلف اهمیت قدرت دریایی ایران را بدون توسل به درگیری نظامی برجسته می‌سازد. علاوه بر ایفای کارکرد دیپلماتیک، نداجا با عبور از کانال سوئز و دور زدن شبه جزیره عربستان و نزدیک شدن به مرزهای اسرائیل، از طریق عمل نمایش پرچم به نشان دادن قدرت و توانایی بالقوه خود پرداخت. اعزام ناوگروه‌ها به دریای مدیترانه، مهمترین شیوه برای نزدیک شدن به مرزهای اسرائیل و به طریقی ایجاد نوعی همسایگی در مرزهای غربی این کشور است که می‌تواند پیام‌آور کمک ایران به متحدین خود و دشمنان اسرائیل از قبیل حزب‌الله و نزدیک نمودن تهدید برای این رقیب و دیگر رقبا باشد. همچنین، نداجا با کمک به کشتی‌های تجاری شمشیر دو لبه قدرت را به نمایش می‌گذارد. از یک طرف با نشان دادن لبه اجبار نسبت به دزدان دریایی قدرت سخت خود را عرضه می‌دارد و از طرف دیگر با قدرت جاذبه و کمک‌های خیرخواهانه به کشتی‌هایی تجاری دیگر کشورها، قدرت نرم خود را منعکس می‌نماید. به همین خاطر، به طور کلی، می‌توان ادعان داشت که استقرار مناسب نداجا علاوه بر تامین امنیت حمل و نقل دریایی ایران به خصوص در مسیرهای اصلی تجارت دریایی از قبیل: تنگه هرمز، مثلث طلایی و باب المندب به اهداف دیپلماتیک دریایی نیز کمک نموده است.

لذا، با تکیه بر مبانی تئوریک بحث و به خصوص مدل زیر (شکل ۴) می‌توان ادعان داشت: همانگونه که در شکل مشاهده می‌شود، اگر از منظری طیفی به میزان اجبار در کارکردهای نیروی دریایی نگاه شود، هر چه اعمال قدرت از کارکردهای صرفاً نظامی فاصله می‌گیرد و به کارکردهای دیپلماتیک نزدیک‌تر می‌شود، از میزان به کارگیری اجبار و خشونت کاسته می‌گردد و به تعبیری می‌شود گفت که حالت طیف از قدرت سخت به قدرت نرم می‌رسد. لذا، هر چند دو نیروی دریایی ایران در زمان

جنگ، نقش یکسان و مکملی پیدا می‌کنند، در حال حاضر (همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است) نداسا نقش‌های نظامی و پلیسی را در محدوده آب‌های تحت کنترل خود به خوبی انجام می‌دهد، اما این نداجا است که نقش دیپلماتیک را به خوبی ایفا می‌کند. نداسا با توجه با اهمیتی که منطقه خلیج فارس از نظر نظامی و اقتصادی دارد، سعی می‌کند تا بر پایه دفاع ساحلی نقش بازدارندگی را با تکیه بر تجهیزاتی که در اختیار دارد ایفا نماید؛ هر چند توان بازدارندگی هسته‌ای را در حال حاضر ندارد. به همین خاطر، نداسا بیشتر در حالت ترکیبی (تهاجمی - دفاعی) قرار دارد و با اینکه در تمامی شرایط با حفظ حالت دفاعی مدافع منافع ملی ایران در دریا است، در مواقع خاص، حتی با ابرقدرت‌های دریایی حالت تهاجمی داشته است. اما نداجا بیشتر در حالت دفاعی است و کمتر تهاجمی ظاهر می‌گردد؛ مگر در شرایط خاص. این وضعیت، از یک طرف نشان دهنده اهمیت صحنه‌های دریایی برای ایران، و از طرف دیگر تعیین استراتژی مناسب است. لذا، از آنجا که منطقه ماموریت نداسا، صحنه اصلی دریایی ایران است و بیشترین منافع ایران در آن قرار دارد، تعیین استراتژی ترکیبی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و هماهنگی آن با اهداف استراتژیکی در زمان جنگ؛ یعنی کنترل خلیج فارس و تنگه هرمز و عملیات تاخیری، به خصوص برای نیروی دریایی فرمانطقه‌ای توسط نداجا، را منعکس می‌سازد. نداسا با انجام اقدامات اساسی در سطح تاکتیکی و عملیاتی و نداجا در سطح استراتژیکی، پیامدهای استراتژیکی خاصی، همچون بازدارندگی دریایی برای قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را فراهم می‌سازند. برای رسیدن به این مهم ایران به شکل هوشمندانه‌ای از ناوگان و ترکیب و توزیع فعلی این دو نیرو استفاده نموده است و ترکیب موارد فوق‌الذکر، رکن اصلی هوشمند سازی قدرت دریایی ایران برای رسیدن به اهداف کلان و ملی می‌باشد.

شکل ۴: کارکرد نیروهای دریایی و میزان اعمال اجبار در هر کدام



جدول ۴: کارکرد نیروهای دریایی ایران و نوع قدرت مورد استفاده

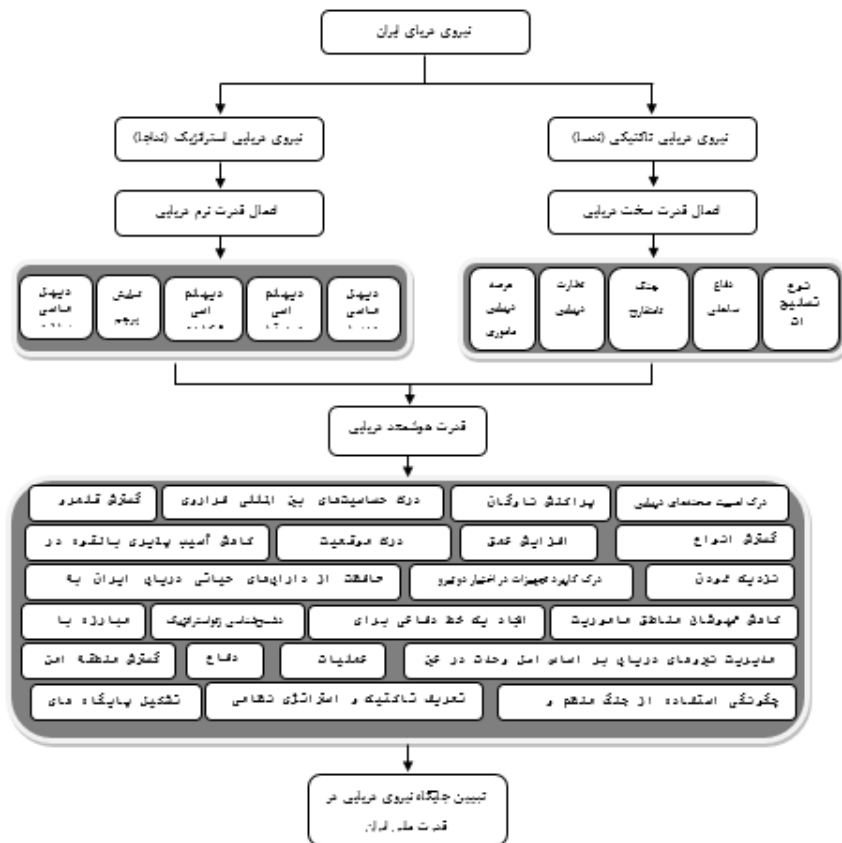
کارکرد	نداجا	نداسا	میزان اجبار	نوع قدرت مورد استفاده
نظامی	متوسط	متوسط	بالا	سخت
نظارتی	کم	بالا	متوسط	ترکیبی
دیپلماتیک	بالا	کم	کم	نرم
توضیحات	با اینکه نداجا از طریق اعزام ناوگروه‌ها به نواحی و مناطق مختلف، بار دیپلماسی دریایی ایران را بر عهده دارد؛ مبارزه با دزدی دریایی و دیپلماسی قایق توپ-دار از مهمترین ماموریت‌های نظامی آن است.	با توجه حساسیت صحنه دریایی ماموریت نداسا، داشتن آمادگی برای جنگ نامتقارن و مبارزه با نیروی‌های دریایی فرامنطقه‌ای، دفاع ساحلی کارکرد نظامی یافته است.	با اینکه میزان استفاده از زور در کارکرد نظامی بسیار بالاست و بر عکس در کارکرد دیپلماتیک بسیار پایین، در کارکرد نظارتی استفاده بسیار محدودی از زور برای اقدامات خلاف هنجارهای قانونی بین‌المللی وجود دارد.	با اینکه کارکرد نظامی سمبل قدرت سخت و کارکرد دیپلماتیک سمبل قدرت نرم می‌باشد، در کارکرد نظارتی زمینه اعمال هر دو نوع قدرت وجود دارد.

توجه به محدودیت‌های بین‌المللی از دیگر ارکان قابل ذکر این قدرت هوشمند محسوب می‌گردد. با توجه به حساسیت و نوع نگاه برخی قدرت‌های جهان به سپاه پاسداران، از جمله تروریستی اعلام نمودن این نیرو در دولت ترامپ، حضور آن در «آب‌های آبی» می‌تواند با چالش‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی مواجه شود که در مقابل برای نداجا وجود ندارد. لذا، ایران با تعریف استراتژی نوین نیروی دریایی راه‌های پیاده‌سازی قدرت سخت و نرم در بستر نیروی دریایی خود را پیدا نموده و از این طریق نیز به درک استفاده از قدرت هوشمند خود در محیط دریایی رسیده است.

در بستر این استراتژی، ایران زمینه مهمترین رکن مدیریت دریایی خود، یعنی همکاری نیروهای دریای خود را بر پایه اصل وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت را فراهم نموده است. در عین تفکیک مسئولیتی که در میان این نیروها وجود دارد، زمینه اتحاد و مشارکت آنها برای اجرای سیاست‌های دریایی و رسیدن به اهداف ملی خود را فراهم نموده است. لذا در حالتی شماتیک می‌توان زنجیره استفاده از قدرت دریایی هوشمند توسط ایران را به شکل زیر بازنمایی نمود:

درک بسترهای دریایی اعمال قدرت ← درک توازن قدرت بین راه‌حل‌های سخت و نرم نیروهای دریایی و میزان ظاهر شدن این دو شکل ← درک چارچوب نهادی برای استفاده از قدرت هوشمند بر بستر دو نیروی دریایی ← ایجاد اتحاد و مشارکت دو نیروی دریایی ← اعمال سیاست‌ها و استراتژی‌های دریایی ← درک اهداف مورد نظر

شکل ۵: چگونگی تاثیر گذاری نیروی دریایی بر قدرت دریایی ایران



۶. نتیجه‌گیری

کشور ایران، به دلیل موقعیت دریایی و استراتژیکی که دارد، می‌تواند در سایه برنامه‌ریزی و دستیابی به تجهیزات مناسب به یک نیروی دریایی راهبردی بسیار کارآمد دست یابد و قدرت و اقتدار دریایی خود را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نمایش بگذارد. لذا، کشور ایران با درک این واقعیت، با تعریف استراتژی دریایی راهبردی درصد است تا از این توان بهره لازم را ببرد و بتواند در عرصه دریایی حضور پررنگ‌تری داشته باشد.

تحلیل عملکرد سازماندهی مجدد نیروی دریایی ایران و تعریف نیروی دریایی راهبردی حکایت از توان دریایی ایران برای افزایش قدرت سخت و نرم و در نهایت قدرت هوشمند ایران از طریق نیروی دریایی تاکتیکی (ندسا) و راهبردی (نداجا) دارد. از یک طرف ندسا با داشتن نقش‌های نظارتی و نظامی در محیط‌های دریایی بلافصل ایران با تکیه بر نوع تجهیزات نظامی در اختیار و داشتن استراتژی ترکیبی دفاعی-تهاجمی از آمادگی بالاتری برای اعمال زور یا اجبار در صورت امکان و تهدید برخوردار است. با تقویت تسلیحاتی و دفاعی و تهاجمی ندسا، نیروی دریایی ایران می‌تواند در برابر تهدیدات به موقع واکنش نشان داده و آنها را دفع نماید. با دستیابی ایران به این توان و مدد از حضور نیروی دریایی راهبردی در آب‌های فراساحلی، نیروی دریایی آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد و با افزایش قدرت بازدارندگی نظامی خود تهدیدات را با تهدید در فواصل بسیار دورتر از آب‌های سرزمینی خود دفع نماید و برای اتخاذ استراتژی تهاجمی در مواقع بحرانی و تهدید، توانایی بالایی داشته باشد. از طرف دیگر، نداجا با ایفای نقش دیپلماتیک خود در آب‌های فراساحلی و بخشی از آب‌های ساحلی زمینه اعمال قدرت نرم ایران را فراهم می‌سازد که در بستر انجام انواع دیپلماسی دریایی و کمک‌های بشردوستانه انجام می‌گیرد.

همان‌طور که ماهان قدرت خشکی را محاصره شده از سوی یک قدرت دریایی می‌داند، با نیروی دریایی راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند حصار محاصره دریایی خود را توسط قدرت‌های غربی و بعضاً منطقه‌ای را بشکند. کشور ایران باید در صدد تعریف هلال دریایی در منطقه باشد. هلال دریایی ایران می‌تواند از خلیج فارس شروع شده و از طریق تنگه هرمز و دریای

عمان وارد اقیانوس هند شود و در اقیانوس هند در دو محور گسترش یابد. از یک طرف محور غربی با عبور از تنگه باب المندب، کانال سوئز وارد دریای مدیترانه شود. این محور در صورت توسعه توان نیروی دریای ایران از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل به دریای سیاه رسیده و در صورت داشتن روابط استراتژیک با روسیه از طریق کانال ولگا- دن به دریای کاسپین می‌رسد. محور شرقی به سمت غرب اقیانوس هند ادامه می‌یابد و با عبور از تنگه مالاکا وارد اقیانوس آرام می‌گردد. این هلال می‌تواند بر اساس گسترش توان نیروی دریایی راهبردی ایران، بزرگ‌تر شده و لایه‌های دیگری را ضمیمه نماید و آن زمانی است که توان عبور از دماغه امید نیک یا تنگه جبل الطارق و حضور در سواحل شرقی اقیانوس اطلس را به دست آورد. در مرحله ایده‌آل، نیروی دریای ایران می‌تواند با عبور از کانال پاناما یا جنوب قاره آمریکای جنوبی یک قرص کامل دریایی را شکل داده و به راحتی بتواند در هر جایی از عرصه دریایی که بخواهد حضور داشته باشد و از منافع خود دفاع نماید.

گسترش و تقویت نیروی دریای راهبردی می‌تواند راهی برای شکستن و تحت تاثیر قرار دادن کانتین منت غربی- عربی (ناتوی غربی- عربی) تعریف شده بر علیه ایران باشد. بر خلاف بسیاری از کشورهای همسایه همچون عربستان یا عراق که فقط از یک جهت؛ یعنی از طرف خلیج فارس می‌توانند ایران را تهدید نمایند، گسترش نیروی دریایی ایران می‌تواند از چند جهت زمینه تهدید و گسترش عرصه میدان نبرد را به وجود آورد و از فشار مستقیم به صفحه مرزی خود بکاهد. احساس محاصره از جانب ایران برای همسایگان زمانی به وجود خواهد آمد که نیروی دریایی راهبردی توانمند، حضور خود در هلال‌های دریایی به خصوص در دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج عدن را تثبیت نماید.

از طرف دیگر، نیروی دریای راهبردی ایران با در پیش گرفتن استراتژی دیپلماسی دریایی قدرت نرم و اقتدار دریای خود را بیشتر نشان می‌دهد. شرکت در مراسمات سیاسی بعضی از کشورها، ارسال ناوگان‌های صلح و دوستی و ... از مصادیق این بعد قدرت دریایی ایران هستند. با تکیه بر این استراتژی‌ها و توان‌ها، نیروی دریای راهبردی می‌تواند با تکیه بر قدرت نرم از ابعاد مختلف به خصوص از بعد نظامی و اقتصادی قدرت ملی را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین، با توجه به

اینکه بخش اعظم صادرات و واردات، به خصوص صادرات نفت خام ایران از طریق دریایی انجام می‌گیرد، از این جهت، توسعه نیروی دریایی می‌تواند توان اقتصادی ایران را بالا ببرد و بالطبع مجدداً توان نظامی آن را نیز گسترش دهد؛ چرا که اقتصاد شالوده نیروی نظامی است. نیروی دریایی در عرصه آب‌های آزاد، با عملیات مشایعت کشتی‌های تجاری خودی و غیرخودی، مقابله با دزدان دریایی و ... می‌تواند منابع اقتصادی ایران محافظت و تقویت نماید.

بر پایه این تحلیل‌ها از تاثیرگذاری نیروی دریایی ایران بر قدرت سخت و نرم آن، تاثیرگذاری قدرت هوشمند دریایی ایران بر پایه ابعاد زیر شکل گرفته است. این ابعاد عبارتند از: درک اهمیت صحنه‌های دریایی، پراکنش مناسب ناوگان نیروی دریایی، درک حساسیت‌های بین‌المللی فراروی نیروهای دوگانه دریایی، گسترش قلمرو دریایی، افزایش عمق استراتژیک، درک کاربرد تجهیزات در اختیار نیروهای دوگانه دریایی، درک موقعیت ژئواکونومیک دریایی، گسترش انواع دیپلماسی دریایی، نزدیک نمودن تهدید به مرزهای رقبا، دشمن‌شناسی ژئواستراتژیک، محافظت از دارایی‌های دریایی به خصوص در خلیج فارس و تنگه هرمز، کاهش همپوشانی مناطق ماموریت نیروهای دوگانه، ایجاد یک خط دفاعی برای جلوگیری از تهدیدات، عملیات تاخیری، مبارزه با دزدی دریایی، مدیریت نیروهای دریایی بر اساس اصل وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، کاهش آسیب‌پذیری بالقوه در موقع نبرد با دشمن، دفاع از دور، تعریف چگونگی استفاده از جنگ منظم و نامنظم دریایی در زمان جنگ، تعریف استراتژی و تاکتیک نظامی مناسب برای نیروهای دوگانه و تشکیل پایگاه‌های دریایی جدید.

۷. قدردانی

نویسنده مقاله از معاونت پژوهشی دانشگاه لرستان به خاطر تمام حمایت‌های مادی و معنوی کمال تشکر و قدردانی را دارد.

References

1. Adami, Ali & Qorishi, Seyyedeh Mahdijeh (2015), The Decline Of Soft Power In America; Indicators And Components, Quarterly Journal Of Global Politics, Vol. 4, No. 4, Pp. 187-220.
2. Allahverdizadeh, Reza (2015), Explaining The Relationship Between Marine Status Of Countries With Developmental Level, Doctoral Tesis, Tarbiat Modares University, Faculty Of Humanities **[In Persian]**.
3. Allahverdizadeh, Reza; Hafeznia, Mohammadreza; Pourtaheri, Mahdi (2017), Developing a Global Index for Maritime Location of Countries, Geopolitics Quarterly, volum 13, issue 47, ppage 25- 54 **[In Persian]**.
4. Azami, Hadi & Mousavi Zare, Javad (2016), Exploring And Explaining The Importance Of The Sea In View Of Iran's Geopolitical Position, Research Of Nations Monthly, Vol. 1, No. 7 **[In Persian]**.
5. Azghandi, Alireza & Roshandel, Jalil (2007), Current Military And Strategic Issues, Tehran: Samt Publications **[In Persian]**.
6. Bruns, Sebastian (2014), U.S. Navy Strategy & American Sea Power From "The Maritime Strategy" (1982-1986) To "A Cooperative Strategy For 21st Century Seapower" (2007): Politics, Capstone Documents, And Major Naval Operations 1981-2011, Kiel.
7. Cordesman, Anthony H. (2004), Iran's Developing Military Capabilities, Washington, Dc, Center For Strategic And International Studies (Csis).
8. Cordesman, Anthony H. (2014), The Iranian Sea-Air-Missile Threat To Gulf Shipping, Washington, Dc, Center For Strategic And International Studies (Csis).
9. Elahi, Homayoun (2012), The Persian Gulf (And Its Problems), Tehran: Ghoomes Publishing **[In Persian]**.
10. Ezzati, Ezzatollah And Gol Afrooz, Mohammad (2014), Iran's Intelligent Power Strategy And Geopolitical Role Of Energy (Oil And Gas) In Advancing It, Geographic Perspectives In Human Studies, Vol. 8, No. 24, P. 39-53 **[In Persian]**
11. Germond, Basil (2015), The Maritime Dimension Of European Security; Seapower And The European Union, United States, The United Kingdom, Palgrave Macmillan..
12. Gjert, Lage Dyndal (2015), A Theoretical Framework Of Maritime Air Power, Tidsskrift.

13. Hafeznia, MohammadReza & Rumina, Ibrahim (2005), The Analysis Of Geopolitical Capacities Of South-East Coast Of Iran In Line With National Interests (Neglected Space), Geography And Development Iranian Journal, Vol. 3, No. 6 **[In Persian]**.
14. Hafeznia, MohammadReza (2003), Persian Gulf And Strategic Role Of The Strait Of Hormuz, Tehran: Samt Publications **[In Persian]**.
15. Haghshenass, Fariborz (2008), Iran's Asymmetric Naval Warfare, Washington, Dc, The Washington Institute For Near East Policy
16. Hattendorf, John B (2013), What Is A Maritime Strategy?, Soundings, No. 1.
17. Hawang, Karl (2008), Navigare necess Est! maritimity and the prospect of a Korean blue water navy, Geopolitics Quarterly, volume 3, no. 4.
18. Himes, Joshua (2011a), Iran's Two Navies: A Maturing Maritime Strategy, United States Of America: The Institute For The Study Of War (Isw).
19. Himes, Joshua C. (2011b), Gulf Analysis Paper: Iran's Maritime Evolution, Csis: Center For Strategic & International Studies
20. [Http://Www.Yjc.Ir/Fa/News/5700814](http://www.yjc.ir/fa/news/5700814).
21. Imami Meybodi, Ali & Esmaeili, Bashir (2008), China And Caspian Sea's Energy Resources, Central Eurasia Studies, Vol. 1, No. 2, Pp. 15-28. **[In Persian]**.
22. Jahanirad, Hojatollah (2012), The Role Of The Strategic Naval In Securing The Borders Of The Oman Sea, The First National Conference On The Development Of Makren Coasts And Marine Authority Of The Islamic Republic Of Iran, Chabahar, February 28 To 31, 2012 **[In Persian]**.
23. Kirchberger, Sarah (2015), Assessing China's Naval Power: Technological Innovation, Economic Constraints And Implications, Berlin: Springer.
24. Kraska, James (2011), Contemporary Maritime Piracy; International Law, Strategy And Diplomacy At Sea, Santa Barbara, California, Praeger.
25. Mahan, A. T. (1890), the influence of sea power upon history (1660-1783), Boston: Little, Brown and Company.
26. Modelski, George & Thompson, William R. (1988), Seapower In Global Politics, 1494-1993, Houndmills, Basingstoke, Hampshire And London, The Macmillan Press Ltd.
27. Mousavi Zare, Seyed Javad; Zarghani, Seyed Hadi; Azami, Hadi (2017), Analysis of the Position of Science and Technology in the

- Real, Hard, Soft and Smart Power, *Geopolitics Quarterly*, volum 13, issue 47, ppgge 103- 138 **[In Persian]**.
28. Musavi jashni, seyed sadrodi (2014), Persian gulf-Indian ocean geopolitical intertwinement, *Geopolitics Quarterly*, volume 9, no. 4
 29. Nye, Joseph (2004), *Power In A Global Information Age*, London And New York, Routledge.
 30. Office Of Naval Intelligence (2009), *Iran's Naval Forces: From Guerilla Warfare To A Modern Naval Strategy*, United States: Office Of Naval Intelligence, <https://www.hsdl.org/?view&did=697317>.
 31. Office Of Naval Intelligence (2017), Document: 2017 Office Of Naval Intelligence Report On Iranian Naval Forces, Washington Dc, Accessible In: <https://news.usni.org/2017/03/01/document-2017-office-naval-intelligence-report-iranian-navy>.
 32. Palaver, Matteo (2011), *Power And Its Forms: Hard, Soft, Smart*, London, The London School Of Economics And Political Science.
 33. Ramazani, R. K. (1979), *The Persian Gulf And The Strait Of Hormuz*, The Netherlands: Sijthoff & Noordhoff.
 34. Sadeghi, Ali, Shoostari, Seyyed Mohammad Javad And Zarghami Barzin (2012), *Strategic Navy Of The Islamic Republic Of Iran, Necessities And Objectives*, The First National Conference On The Development Of Makren Coasts And Marine Authority Of The Islamic Republic Of Iran, Chabahar, February 28 To 31, 2012 **[In Persian]**.
 35. Shamiri shekofti, afshin; shahandeh, behzad (2018), Explanation of the Position of Smart Power in China's Foreign Policy, *geopolitics quarterly*, volum 14, issue 51, ppgge 31- 62 **[In Persian]**.
 36. Standish, John (2004), *Persia And The Gulf, Retrospect And Prospect*, Translated By Abdolreza Salar Behzadi, Tehran: Nashre Ney **[In Persian]**.
 37. Till, Geoffrey (2009), *Seapower: A Guide For The Twenty- First Century*, Second Edition, London & New York: Routledge.
 38. Vego, Milan N. (2005), *Naval Strategy And Operations In Narrow Seas*, London, Taylor & Francis.